

پوخت

گفتارنیک

دی ۱۳۴۶



تیمسار ارشید دکتر بهرام آریانا رئیس ستاد وزیرگفتار شهادان

در صحیح سود متنجه ۵

فهرست مادرجات

نویسنده	موضوع	صفحه
اردشیر جهانیان	سرمقاله	۳
احمد پژوه	دین و فلسفه	۶
حبیب‌الله فرازمند	زرتشت نامه منظوم	۱۳
هاشم رضی	شاخه زرین	۱۶
دکتر جهانگیر اشیدری	گوشه‌ای از تاریخ کرمان	۱۹
عبدالعظیم فروغان	اندرز جاویدان	۲۴
سرهنگ موبد	هفده دی	۲۰
	اخبار ماه	۴۳

نوشته: اردشیر چهانیان

خورشیدی که در ماه دی غروب

نهاد و لای برای شاهنشاه در سشان آنست

خورشیدی که در یکی از روزهای آغاز بهاری یعنی ششم فروردین در آسمان دستور



ما در خشیدن گرفت در روز خیر از ماه دی برابر پنجم دی‌ماه غروب نمود. اما با تعالیم عالیه خود چنان کاخ رفیعی از اخلاق و دانش برآفراشت که تا جهان باقیست بر جهانیان پرتوافکن خواهد بود.

زرتشت آنچنان مایه و سرمایه‌ای با یندگان بخشید که در هر تعالیم و فلسفه و رشته‌از دانشی پرتوی از آن نمایان است.

«آئین یکتا پرستی و دستورهای اخلاقی و فلسفی که این پیامبر بجهان آموخته‌نوز هم سرمشق تعالیم دانشمندان و بزرگان فلسفه و حکمت قرار دارد.»

شاید هزاران کتاب بزبانهای گوناگون با صرف عمری گرانها در جهان انتشار یافته که از سرمایه اصلی آموزش‌های زرتشت غنی گشته و بیشتر پژوهش‌های آنان بر سخنان و گفتارهای وی مبنی است.

«خداآنده و آئین توحیدی که زرتشت بجهانیان آموخت و در شناخت آن تا پای جان ایستاد آفریدگاری است دانا - توana و بیهمنا بنام اهورامزدا که معنای سرور (بزرگ) دانای هستی بخش است خداوندی است یکتا - نیکی و راستی - روشنائی شادمانی و کمال از ذات جاودانی اش سرچشمگرفته است.»

آنچنانکه زرتشت در یکی از قطعات سرودهای خود در گاتاهای میفرماید :

«ای اهورا همانکه ترا بادیده دل نگریستم - بانیروی اندیشه خود دریافتم - که توئی سرآغاز - که توئی سرانجام - که توئی سرچشم - منش پاک - که توئی داور دادگر اعمال جهانی»

زرتشت اهورامزدا را با چنین قاطعیت شناخت و بدین نحو بجهان معرفی نمود و سپس راز دیگری که بدان دست یافت یعنی نیروهای درونی و معنوی بود برای بشر آشکار ساخت و خود نیز درک حقیقت را با نیروی اندیشه میسر دانسته و فرموده «بانیروی اندیشه خود دریافتم» این نکته اصولی ترین توجهی است که بشر بآن آشنا گشت و همین نیروست که دانشمندان آنرا تعقل نامیده و بدستیاری آن یافت راه ترقی و کمال را میسر دانسته‌اند و برتریت بشر بر سایر موجودات را باداشتن همین نیروی اندیشه بر شرده‌اند و ازین نیروست که زرتشت اصلاح اخلاق را برپایه اندیشه و گفتار و کردار نیک استوار داشته است.

در حقیقت اعمال و اخلاق انسانی از سرچشم نیکی و یا بدی اندیشه برخورد دارد است. این قاعده از آغاز زندگانی و آفرینش جهان برقرار بوده و تا پایان حیات نیز برقرار خواهد بود.

بفرمان مطاع شاهنشاه آریا مهر بزرگ ارتشتاران

تیمسار ارتشد دکتر بهرام آریانا
برایست ستاب بزرگ ارتشتاران

هنچنوب پ گردن یل زل

تیمسار ارتشد دکتر بهرام آریانا در هر مقامی با شایستگی و کاردانی اوامر مطاع ملوکانه و وظایف سپاهیگری را در نهادت میهن پرستی و بنحو احسن انجام داده و در حقیقت از مفاخر افسران ارشد کشور بشمارند.

در مقام علمی نیز ستاره درخشان ارتش بوده و دوره های دانشکده افسری و دانشگاه جنگ کشور و همچنین دوره های دانشگاه جنگ فرانسه و تحصیلات عالیه نظامی ارتش آن کشور را با موقیت گذرانیده و در رشته حقوق بین المللی در فرانسه با خذ درجه عالی دکترا نائل گشته اند.

تیمسار آریانا در خدمات درخشان ارتشی خود تا کنون از افتخاراتی بس بزرگ برخوردار گشته و با این طریق به امتیازات عالی و اخذ نشانهای لیاقت - خدمت عالی تیر - پاس - درجه دوتاچ - درجه ۱ همایون و همچنین از کشور فرانسه نشانهای لژیون دونور درجه یک با حمایل و اتوال نوار ولژیون دونور افسری ولژیون دونور عالی افسری و از کشورهای دانمارک و اتریش و بلژیک و هلند و تونس و نروژ نیز با خذ نشانهای درجه ۲ توفیق یافته اند.

تیمسار آریانا دارای تألیفات متعددی هستند که برای نمونه کتاب دفاع ملی و ناپلئون رامیتوان نام برد. این سوابق درخشان است که این انتساب از طرف عموم طبقات باشادمانی استقبال گشته است. اینک وظیفه خود مبدأ نیم که با نهادت عبودیت مرابت سپاسگزاری همگانی را به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم داشته و همچنین حضور تیمسار ارتشد دکتر بهرام آریانا نیز که بعد ایتین مقام ارتش مباری گشته از شادباش عرض نموده از درگاه اهور ام زداخواهانیم که همواره معظم له را در خدمت بشاهنشاه آریامهر و میهن عزیز موفق و کامرا و فرماید.

بِقَلْمِ : احمد پژوه

لین و فلسفه

(۲۷)

بني اسرائيل در تورات و تاریخ

از دوایات تورات چنین مستفاد میشود که چون ابراهیم از کله بکنعان (سرزمین فلسطین) رفت، در آن جای گرفت، پس از وی اسحاق جانشین او شد. یعقوب پسر دوم اسحاق جای پدر را گرفت و نام اسرائیل بخود گذاشت که (گزارش آن خواهد آمد) فرزندان او را اسرائیل نامیدند. بنی اسرائیل بنا به سرنوشتی که برای یوسف - یکی از پسران یعقوب پیش آمد، رهسپار مصر شده و در آن کشور جایگزین گشتند.

در تاریخ ملل قدیمه، ترجمه ونگارش مرحوم فروغی (محمدعلی ذکاءالملک) در باره بنی اسرائیل و موسا - مینویسد :

« چنین بمنظور میرسد که خروج بنی اسرائیل از مصر بارهبری حضرت موسا - در زمان فرعون می نفتح (Minephtah) پسر «رامسس» واقع شده و اگر هم در سلطنت خود این فرعون نبوده؛ در انقلاباتی که پس ازا در مصر رویداده بوده است».

در تاریخ مصر هیچگونه نام و نشانی از ابراهیم، از یعقوب و یوسف و همچنین از موسا دیده نمیشود. تنها چیزی که یاد شده این است که - پس از بیرون رفتن قوم هیکس بیگانه و دشمن مینگریستند و ایشان را در فشار گذاشته؛ به بیگاری در ساختمانها و راهسازی و سر بازی وادرشان میکردند، بدون اینکه نامی از اسرائیل ببرد.

هندریک وان لون H. V. Loon در تاریخ نوع بشر (Mankind) خود مینویسد :

زمافی در حدود قرن بیستم پیش از عصر ما (پیش از میلاد) یک دسته کوچک و بی اهمیت؛ از چوبانان سامی نژاد، وطن خود؛ سرزمین او (Ur) کرانه فرات را رها کرده، در جستجوی چراگاه تازه‌ای در حوزه متصروف شاهان بابل (که در آن زمان سومریها بوده‌اند) برآمدند. این تیره بنام هبریو (Hebrew) که اکنون یهود میکوئیم شناخته

میشد . پس از سرگردانیهای دور و دراز در مصر پناه گرفتند، بیش از پنج قرن در میان مصریان زندگی کردند . ولی هنگامیکه وطن برگزیده آنها بدست یغماگران «هیکسنس» افتاد ، آنها به خوش خدمتی و نازیدن به اشغالگران بیگانه پرداخته و بنای سودجوئی و دست اندازی به کشتزارها نهادند . پس از آنکه در جنگ آزادی خواهانه مصریها، هیکسنهای از وادی نیل بیرون رانده شدند ، یهود بکیفر خطاكاریهای خود رسیده به زیر دستی و برگی مصریها در آمدند و بکارهای تاب‌فرسا از راه‌سازی و سنگ‌کشی در ساختمان اهرام (Pyramids) و اداشته میشدند و چون راهها از هرسوی برآنها بسته وزیر چشم و نگهبانی سر بازان مصری بود ، راه‌گریز از مصر برای آنها توان ناپذیر گردید . پس از سالیان دراز برگی وزندگی سراسر رنج و آزار، سرانجام بدست جوانی موسانام از این سر نوشتنگین و آندوهبار رهائی یافتند» .

وان یون - هیچگونه اشاره‌ای به ماجرای موسا و فرعون وقت؛ یا کارهای نیارستنی؛ باصطلاح معجزه موسا نمیکند ، همین اندازه مینویسد که از پیگیری و جلوگیری لشکریان مصر رستند و جان بدر برند ». آنچه درباره موسا از تاریخ دستگیر میشود؛ داستان معجزات موسا مشتی گزافه گوئی و پیرایه بندی تورات نویسانست، چه در آن زمان جادوگری و شعبده بازی از هنرهای زیبای عصر بوده ، که در باره گذر کردن قوم از دریا به افسانه گرایی پرداخته؛ نوشته‌اند:

میان امواج خروشان ، خلاف قانون طبیعت که آب شکل پذیر نیست با ذدن عصای موسا ، دریا خیابان و خشک گردیده ، میان صفواف آنها آب مانند پنجره گردید که هم‌دیگر را ببینند و بدینسان از دریا گذشتند !! .

بخوبی پیداست و میدانیم که در آن زمان میان آسیا و افریقای شرقی؛ دریا و رود؛ وجود نداشته ، در گرانه شرقی مصر علیا و گوشه دریای سرخ خلیج یامسیلی بوده که هنگام جزر خشک و هنگام مد پرمیشه و نزدیکترین راه به سرزمین‌سینا از این مسیل بوده است . موسا، با هوشیاری وزیر کی خود میدانسته چه موقع مسیل خشک است . نوشته‌اند به دستور موسا یهود ببهانه اینکه جشن یا عروسی دارند ، چیزهای سبک وزن و سنگین به‌ها وزر و زیورهای زنانه را برسم عاریت از همسایگان و آشنا یان گرفته ، شبانه با نشانی بانگ خروس و راهنمایی موسا ، راه سینا را از همان مسیل در پیش گرفته بسینا گردیده‌اند . این مسیل همانست که بفرمان داریوش بزرگ از آن به رود نیل ترعرعه‌ای کنده شد و راه دریای سرخ به دریای سفید (مدیترانه کنونی) باز گردید و در دوره استعمار انگلیس ترعرعه کنونی از همان مسیل زده شد . قرآن هم روایات تورات را که مردم نیز باور میداشته‌اند یاد فرموده و

این شیوه در قصص قرآن رازهای دارد که برخی از مفسران از جمله سید احمد خان فیلسوف و پیشوای اسلامی هند در تفسیر خود بین آورده که در گفتار پیشین بازگو شد.

وان لون - سرگذشت فرار یهود را چنین دنباله میدهد:

قوم موسا در دوره زندگی و راه پیما برگشته و داشت سینا، به نیروی عظیم خدای بزرگ؛ از تندر، برق و توفان (و آتش فشانی سینا) پی برداشتند، همان خداییکه برآسمانها فرمان می‌راند، که چوپانها - زندگی، روشنایی ودم زدن را از او میدانستند. این خدا یکی از خدایانی بود که در آسیای باختری پرستش می‌شد و نامش یهود Yahova بود. با آموزش و ارشاد موسا، یهود، یکانه سور زاد هبریو (یا جهود) گردید، موسا با صفا و ایمان درونی و پاکدلی خودکار می‌کرد و می‌کوشید؛ تایهود را خودسند سازد. او نه تنها باراهنماei خردمندانه و حسن برادرانه خود می‌کوشید تا قوم را از ذوبنی و بردنگی نزد بیگانگان برهازد و به آزادی و خودمختاری دریک وطن تازه برساند، بلکه هر چه بیشتر کوشید تا آنها را در رده نخستین ملل یکانه پرست درآوردد.

راستیکه این مرد آزادیخواه و خویشاوند نواز، چه رنجها برده و چه شکنجه‌های جسمی و روحی را بخود هموار ساخته، تا چنین نژادلچوچ، بهانه‌جوي و سرکشی را برآ راست آورده است. گرچه پس ازوی؛ سرپیچی از دستور و فرمانهای او کردند، و چه خرافات و موهماتی دلخواه که در «سفر خروج» به او بسته‌اند که نمیتوان ازاو دانست. بهردوی پس از چهل سال در بدری و وزیدن آنها که آماده همه‌گونه فداکاری در راه رسیدن به استقلال پیدا کرده و از راهنمایی و فراموشیهای موسا، چنان قومی که همه چیز جز خدای یکتا را می‌پرسیدند، هم یکتا شناس وهم درامور زندگی و استواری در برابر دشواریهای دلبر و گستاخ گردیدند.

بگفته «وان لون» - بدسرزمین فلسطین که رسیدند، دره ژروزالم (Jerusalem) اورشلیم) یعنی «خانه صلح» معبد یهود را بنیاد کردند. دیگر موسا پیشوای قوم نبود (مثل اینکه بازنشسته شده بود) زیرا تنها میتوانست خاموش بنشیند و کوهستان فلسطین را از دور بگرد. در چنین حالی بود که چشمان خسته خود را برای همیشه فرو بست.

نگاهی بهم شایان تو جه

با اینکه غیر از کتب عهد قدیم (Testaments) در باره موسا و عیسا، کتابها نوشته و سخنها رانده شده و می‌شود، ولی گویا از دیدانشمندان و پژوهندگان زیست‌شناس یا بیولوژیستها، بیوژه تاریخ نویسان اروپائی در جهان مسیحیت، این دو بزرگوار؛ اصالت تاریخی نداشته‌اند. و گرنه چنگونه همکن است دریک دایرة المعارف، یا فرهنگ

لغات و علوم و اعلام مردان نامی جهان، بنام «پیرزسیکل او پیدیا»، که گنجینه‌ای از مطالب مهم تاریخ؛ تمدن، فتون و رویدادها و سرگذشت معارف جهان است و تا بیست و ششمین چاپ آن در ۱۹۲۴ دو میلیون نسخه پخش شده و شامل ۲۱ کتاب و رساله از مطالب گوناگون در ۱۰۹۴ صفحه است، بهیچ روى نام و نشانی از ابراهیم گرفته تاعیسا در آن دیده نشود؛ از جمله ۲۱ کتاب، یکی بنام **Prominent People** (مردم سرشناس) و دیگری بنام **فرهنگ وقایع (Dictionary of Events)** که از ۲۲۳۵ پیش از میلاد تا ۱۹۲۴ میلادی است و نام همه شاهان و پیشوایان دین، مردان دانشمند و سیاسی با یادداشت اندکی از آنها دارد، ولی از یهود تنها نام داود و معبد یهودا - آنهم بمناسبت تجدید بنای آن پرمان کورش بزرگ یاد شده، در حالیکه نام آشو زرتشت و حضرت محمد با یادداشت کوچکی از برخاست آنها نوشته شده ولی از موسا و عیسی‌خبری ندارد مگر اینکه در سلسله تاریخ قرون، وقتی به آخرین سال پیش از میلاد میرسد، مینویسد: زایش مسیح - Birth of Christ همین وبس !!.

هیکسیس‌ها از کجا و چه نژادی بودند؟

در تورات نامی از هیکسیسها دیده نمی‌شود، ولی از سومریان با تحریف نام - آیاتی دارد و گزارش آن خواهد آمد - در کتاب تحلیلی «خط و فرهنگ» استاد ذبیح بهروز، درباره هیکسیسها چنین است :

« از حوادث مهم این عصر (۱۸ سده پیش از میلاد) رفتن هوکسیسها به مصر و برودن اسبهای ایران با نجاست. هوکسیسها که پنج قرن در مصر پادشاهی کردند و عاقبت از مصر بیرون آمدند، آثار پادشاهانشان که از جزیره کرت تا سامان بعداد دیده شده، شهرت آنها را تا این نقاط دوردست میرساند. مطابق معمول بر سر نژاد این قوم هم نزاع است. ولی پس از سالها نزاع و لجاج اخیراً نوشتہ‌اند که آنها از نژاد خطی و هند و ایرانی هستند. در هر صورت بستگی نژادی اقوام کاشی، خطی و هوکسیس، ارتباط و پیشرفت آنها در سرزمینهای بابل، آناتولی و مصر و همزمانی این لشکر کشی‌ها و اهمیت این حوادث قابل انکار نیست و مخصوصاً در این قسمت از تاریخ باید دقت نمود تا در تحت تأثیر مغالطه و تبلیغات واقع نگردیم. معنی هوکسیس را «امیر چوپان» نوشتہ‌اند که هنوز پذیرفته نشده، ظاهراً باید صورتی از کلمه فارسی هوخشس **Hukhashas** یعنی شهریاران خوب یا امپراتور باشد ..»

« وان‌لون » در کتاب نوع بشر خود، مینویسد : - اندک مدتی پس از ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد، مردم طب شورش آغاز نهادند و پس از کشمکش درازی هیکسیسها از کشور بیرون

رانده شدند و مصر بار دیگر آزاد کردید - سپس از سوی های سخن میراند.

سخن های در تاریخ و تورات

در تاریخ نوع بشر - درباره سوی های مینویسد :

«سوی های دیرین قریب باشند کان «مزوبوتامیا» (Mesopotamia) یعنی میانه رودها) بوده، آنها در قرن چهل هم پیش از میلاد، از شمال به مزوپوتامیا [که اکنون بین النهرين گفته می شود] درون شده و برج و باروها، معبد ها و قصر ها ساختند که هنوز ویرانه آنها بنام مناره بابل وجود دارد، آنها خطی بنام میخی داشته اند».

این فشرده نوشته آن کتاب بود، اکنون ببینیم در تورات و تاریخ دیگران وهمچنین آنچه از کندوکاو سرزمین فرات بدست آمده چه میباشد.

از کاوش های ویرانه بابل در شهر «اور» (در ۱۹۲۲) و چیز هایی که از چهل متري زیر شن یافته شده، ثابت می شود که قوم «سومر» از تراویدن دوازده آنی بوده که از پایان خلیج فارس بسمت شمال بالا رفته؛ در کرانه فرات و دجله جای گرفته اند. آیه ۲ قاء از باب ۱۱ «کتاب پیدایش» دلالت بر این معنی دارد؛ چه میگوید :

«و واقع شد که چون از مشرق کوچ کردند، زمین همواری در شنوار (Shanaar) یافتند و در آنجا سکنا گرفتند و به یکدیگر گفتند. بیایید خشت ها بازیم و آنها را خوب پیزیم واشان را؛ آجر بچای سنگ بود و قیر بچای کچ - و گفتند بیایید شهری برای خود بنا نهیم و بر جی (مناره) را که سرش باسمان برسد (بر پا کنیم) تا نامی برای خویشن پیدا کنیم؛ مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم».

این گفته بنا بگزارش تاریخی؛ داستان «سوی های» است و واژه شنوار تحریف شده «سومر» است و دور نیست شهر «سامر» نیز وابسته به سوی هایان باشد. در تاریخ سرپرستی سایکس است که - سوی هایان کوهستانی بوده و خدا یان خود را بر کوه ها ایستاده نمایش میدادند و ستایش میکردند. نخستین جای بومی آنها جنگل و بیشه بوده، در کندوکاو اخیر «دره سنده» نموده و نشانی های تمدن بسیار همانندی با آثار سومری؛ در بابل؛ از زیر خاک بدست آمده که دنیاگی را حیران کرده است. سنگ نیشته و نگاره های روی مهر های چهار کوش باز رینه آلات که در آنجا پیدا شده، با آنچه دره اور کلدان یافته اند میمساند. استیل ساختمنهای آجری، تندیسه ها، شکل چهره ها، همه نشان میدهند که این دو تمدن از یک دو دمان و از یک خاستگاه بوده اند و چنین بر می آید که سرزمین پیشین سوی هایان در برخی جاهای کوهستانی در ایران؛ همانند افغانستان یا بلوچستان بوده است. سرپرستی سایکس - در

مقاله مقدماتی صفحه «بط» مینویسد :

«اگر از من سؤال شود که این فحص و بازرسی از کجا شروع خواهد شد ؟ در جواب بندر هرمز را اسم خواهم برد ، همان بندری که «نه آر کوس» Nearhus نیروی دریائی خود را کنار رود میناب پس اهل کشانید قبل از آنکه به خشکی آمده ، سلامتیش را به اسکندر خبر دهد . امروزه بـ بندر عباس برای بازگانی هرات و مشهد و سایر مراکز میانه ، یک بندر طبیعی محسوب میشود» ،

پاز گشته یهود لازم حیلک پله طبیعت پر نیشی

فشرده کتاب داوران تورات چنین است که : پس از درگذشت موسا و یوشع ، قوم بنی اسرائیل که پادشاهی نداشت ، هر طایفه (از اسپاط) خود مختار گشته و به دلخواه خود کار و زندگی میکرد . چون در کنار مردم فلسطین جای گرفتند ، مذهب سوریان را پذیرفتند ، بالای کوه قربانگاهی از یک تخته سنگ یا یک ستون سنگی بر پا کرده ، آنرا «بیت ایل» یعنی «خدای خانه» دانسته پرستش میکردند . درختهای هبرک و آفتاب را خدای خود گرفته ، بلکه تندیسهایی از گاو و دمار از برنج ساخته به آنها سجده میکردند و هر یک را خالقی میانگاشتند . در برخی جاها سنگهای (خوش تراش طبیعی) بر گزیده خود را ، بامواضیت نگاهداری کرده ، باور می نمودند که روح خدائی در اینگونه سنگها جای دارد و دور آن دیوار کشیده «بیت ایل» مینامیدند» .

برخی از این سنگها بنام «مقام» جایی که بگفته آنها بزرگان و رهبران دین (مانند ابراهیم و دیگران) گام نهاده ، آنرا قدمگاه خوانده اند ، چنانکه کعبه که عقدهم خاصی دارد و گفته خواهد شد ، قرآن ساخته اان آنرا از ابراهیم یاد کرده و در سوره بقره از آیه ۱۲۴ تا ۱۲۸ در باره بنیاد آن بدست ابراهیم با کمک اسماعیل بصورت وحی آمده است . و در سوره ابراهیم از آیه ۳۴ تا ۴۰ نیز سخن از این خانه است . ولی در تورات در این باره چیزی دیده نمیشود و بعکس از اسماعیل و فرزندان او که در همان فلسطین بوده اند بارها یاد نمیکند .

پر نیشی سنگی و چیزهای دیگر

آنچه میدانیم - در سرزمینهای ، بابل ، سریه ، فلسطین ، عربستان و مصر ، در دوران کهن؛ یک گونه دلبستگی ترسناک تاحد پرستش به سنگ به جانوران و چیزهای دیگر داشته اند ، سنگ چینی و ستون افراشتن از سنگ و ساختن اهرام ، زمینه عقاید و ستایش مردم در آن سامان بوده است . پژوهندگان تاریخ ادبیان و مذاهب؛ اینگونه عقاید را

آنی میسم Animism نام داده اند، یعنی - جانداری، جان دهنی، کام بخشی همه مظاهر وساخته های طبیعت، بدان گونه که از دیدار و نوازش آنها، شادمانی بطرفین دست میدهد، همانگونه که از دیدار عزیزان انتظار میورود. باور میداشتند که سنگ، درخت و چیزهای دیگر دارای جان هستند، به معنای قدری و نیایش کنندگان خیر و بربکت روزی میرسانند و از گزند بدیها آنها را درامان میدارند، از کرنش و بزرگداشت انسان بخود؛ خشنود شده، نذر و نیازها و قربانی خونین آنها را می پذیرند. مردم در نیکبختی و کامرانی یا بلاهای وارد بخود، خوشنودی و دلخوری آنها را کارگر میپنداشتند.

مذهب دیگر که بهتر است گفته شود «سنتم» - توته میسم Totem از توتم بوده، هر دودمان یا خاندان یا خانواده به شکون و میمنت یک گونه حیوان یا رستنیها از درخت و گل و گیاههای گوناگون یا پرندگان و خزندگان عقیده داشتند، نقش آنرا روی یک تیر بلند کنده یا کشیده؛ آنرا انگک یا علامت ویژه خود برای شناسایی و امتیاز خانواده خود برگزیده آنرا به فال نیک میگرفتند. که دور نیست آرم و نشان روی پرچمها از منشاء این عقیده برخاسته باشد. گرچه «توتم» جنبه آذین و امتیاز ملی داشته که هنوزهم دارد، مگر اینکه بنخی از آنها ریشه مذهبی نیز داشته است؛ مانند سواستیکا - (Swastika) که دانسته نیست چه بوده. این نقش روی کاشی و درود یوار نگاشته میشده و روی نگین انگشت و مهر کنده میشده که بسیاری از این مهرها از کاوشهای آرکئولوژی بدت آمده است، بویژه روی کاشی و فرش که چون از صنایع اصیل ایرانست، میگویند و آن «کاشی» مانند چینی که منسوب به چین است، آنهم صنعت تیره کاشیان پا کاسیت Kassites است و با که کاشان هم خاستگاه آنها بوده و کاشی منسوب به آنهاست. این نقش هنوزهم روی کاشی و فرشهای قدیم دیده میشود و حزب نازی آلمان هینتلری آنرا آرم ویژه سپاه خود قرارداد و اینکه نام صلیب شکسته بدان داده اند، پندارنا بجایی است. فروهر Frohar اوستا، شیر و خورشید، ماه و ستاره و صلیب عیساهمه توتم مذهبی و عملی بشمار میآیند. خال کوبی نیز که نقش همه گونه حیوانات و جماد و نبات، روی بازو و همه جای تن کوبیده میشود از آثار توته میسم است.

اما عقیده «آنی میسم» - گرچه نزد مردمان یادشده؛ مفهومی جز خرافه و موهوم پرستی نداشته، ولی در داشت و فلسفه عنوانی دارد. جانداری جمادات در نزد فلاسفه پیشینه دارد، چنانکه طالس ملطی نخستین فیلسوف «لیدی» - کهربا - آهنربا و اثر مفتانیس را نوعی جانداری جمادات میدانسته، زیرا جسمی - جسم دیگر را بخود میگیرد و تکان میدهد.

« پنجم دیماه مصادف با درگذشت پیام آور بزرگ تاریخ شت
« اشو زرتشت است . در این روز یاران نیکی و رهروان
« طریقت اهورائی بیاد این اندیشهمند بزرگ جهان و بخاطر
« بزرگداشت یادگارهای جاودانه او به خیر وایثار پناه می
« چویند .

» و من شرمنده از خود ، سربسوی آسته‌ان و خشور زردشت
» و دل با اهواز ام زدای مهر بان ، ناچیز هدیه‌ای نثار اصیل -
» ترین هموطنان خود و بیاران و فادار آئین دیرین میکنم بدان
» امید که بزرگوارانه بیدزینند.

حبيب الله فرازمند

زرتشت نامه منظوم

به مزدای دانای اسرار دل
به هر دا که نیکی و مهر آفرید
عدم بود او هستی آغاز کرد
به اهربین او تیره فرجام داد
ز انوار خود نقش اختن نهاد
جهان شد منور ز خورشید او
به سقف فلك ماه رخشان نمود
به «پروین» نگاهی فسو نکار داد
فروغ آنچنان در جهان گسترید
فروغی که تا جاودا نه بپاست،
نشان از فروغ جهانتاب اوست

بهرش که در دل همیشه بجاست
به و خشور «زرتشت» نام آورش
بر او باد از ما فراوان درود
که یکتا پرستید و یکتا گزید
که چونین سرود آسمانی، نبود
که این گفتنی‌ها نباید نهفت
واز آن دشمنی‌ها که کرد اهرمن
بر این را مرد کهن سر گذشت
به دین و به آئین تجلی بداد

بنامش که آغ از آغازه است
بنام نخستین پیام آورش،
که اول سرود خدا او سرود
که در شرک و بیداد، داد آفرید
سرود آنچنان جاودا نه سرود
سخن باید اکنون ز «زرتشت» گفت
نخستین ز زادن بدارم سخن
پس آنگاه گویم که چونان گذشت
چسان عاقبت رسم نیکی نهاد

بجان تیره گشت و تباہی خرید.
روانش بی‌الاید از دشمنی،
بعجز رشتی و رشت نامی ندید:
که نیرنگ بازند و تیره نهاد
چنین دیو خویان که خصمان بدند
واز آن کینه جوئی، بر آن بر شدند
که رشتی به پیکار نیکی برند
توان در تن و جان دیوان بسود
وزان بیم زنجیر دیوان گستست
کشند آنکه خواهند مر کشترا
به دیوان دیگر هم او بیار بود

هر آنکس که نیکی نیارست دید
بر آنکس که افسون اهریمنی
هر آنکس که آئین رشتی گزید
بعجز دیو، نامی بر آنها هباد
چنین دشمنانی که دیوان بدند
سرانجام در کینه اندر شدند
که نیروی رشتی بسیع آورند
نخستین زمان کامد اندر وجود
که بیمه بدلشان فهانی نشست
به پیمان شدند آنکه «زرتشت» را
«دور ازان» که دیوی فسو نکار بود

که بر پا نمود انجمن زود او
بن و بیخ دیوان کند ناپدید - د
دم پر فسون را در آنها دمید
و گرنه کند شور و غوغای پا
درخشنه خورشیدی از خاورست
مگر غرقه سازند کودک بخون
بسودا که کودک مگر سوختند
بترسید و آهی ز دل بر کشید
آتش تن و جان او خسته شد
که در شعله ها هر طرف میچمید
گزندی نه بر تن نه بر جان او
به نیکان هم او خصم دیرینه بود
که خیلی ز احشام از آن بگندد
تنش را به شاخ و به سم بردازد
چودید آنکه گاوی نگهبان بشد
نیامد گزندی از آن بر پسر
ز سینه برون داد بانک و غریو
تن کودک از خشم پاره کند
که دیوی سیه کار و بد ریشه بود
به گر گان در ندهاش و اسپرد
بکردن، گرگی خود را ره
نه چنگال و دندان تیز آورند

چنان شد به بیم و بظلمت فرو
بدیوان چنین گفت: کاین نورسید
پس آنگه سه تن دیو را بر گزید
که باید که کودک نماند بجا
که این کودک آخر پیام آورست
بر فتند دیوان ز خانه برون
بر فتند و آتش برافروختند
چو مادر نگه کرد و آتش بدید
سراسیمه آمد که کودک چه شد
نگه کرد و کودک بیازی بدید
گلستان شد آتش بدامان او
«دوراژان» که بد کار و بد کینه بود
بر آن شد که کودک بجایی برد
که گاوان بکودک گزند آورند
«دوراژان» چنین کرد و حیران بشد
گذشتند گاوان همه سر بسر
بخشم اند آمد «دوراژان» دیو
بفکر اند آمد که چاره کند
سه روز سه شب غرق اندیشه بود
سر انجام «زرتشت» را دور برد
چو گر گان بکودک شدند آشنا
ز گر گان نیامد ستیز آورند

نوشته: هاشم رضی

شاخه زرین

هَ أَمْ Haoma . در تلفظ پهلوی هوم **Hom** و در تلفظ مصطلح فارسی هوم **Hum** آن چه که از متن اوستا بر می آید ، نام گیاهی است و نام ایزدی است که نگهبان و موکل این گیاه بوده و هم اسم مرد پارسایی است که باوارستگی و دینداری زندگی میگردد .

در اوستا از هوم چه بسیار یاد شده است و دانشمندان در غرب و شرق درباره هوم و مراسم و آداب آن واصل و منشائش کاوشهای فراوانی کرده‌اند . هوم از جمله مواردی است که همانند آن در ادبیات و دایی آمده است و نشانگر آنکه دارای پیشینه‌بی است بس دراز میان آریاها ، بویژه هندوایرانیان . پس از شرح و تفسیر اوستایی ، مطابق روش معمول در این رشته کاوش‌ها ، ببررسی در ادبیات و دایی از نظرگاه پژوهش‌هایی در باره سوم - پرداخته میشود

در اوستا ، بیستمین یشت ویژه هوم است و نامزد به «هوم یشت» اما این یشت بسیار کوتاهی است که گمان می‌رود یا از میان رفته و این اندک مقدارش بما رسیده است ، یا آنکه آنچه در حلال یسنا آمده است ، یعنی های نهم ، دهم و یازدهم وابسته به این یشت بوده که در یستاجای داده شده است و این نظر اخیر بیشتر با حقیقت سازگاری دارد . جز در یسنا و یشتها ، در پیش رد و وندیداد نیز از هوم سخن رفته است .

چنانکه اشاره شد ، در یستا - های نهم تا یازدهم است که بتفصیل از هوم سخن رفته است . [۱] در بامدادان ، چون زرتشت سرگرم انجام مراسم ستایش در آتشگاه بود ، هوم چون ایزدی در برآ بر شناسیان می‌شد و پیامبر از اومی پرسد که تو که هستی که در سراسر جهان خاکی این چنین بخشاینده شادمانی و جاودانی هستی ؟ ۱ - هوم می‌گوید [۲] : ۱ - شماره‌های داخل کروشه [] اشاره است به شماره‌های بندهای - های نه و ده و بازده از یستا .

من هوم پاک دور دارنده هرگك [دوراش Duraosha] هستم . آنچه که خواهانی از من بخواه و در بزرگداشت من و آماده کردن برای آشامیدن بکوش .^[۳] پس زرتشت بدوي درود می فرستد ، اورامیستايد و میخواهد بداند نخستین کسی که او را برای آشامیدن آماده کرده چه کسی بوده است .^[۴] هوم ، آن دور دارنده مرگ پاسخ میدهد که برای نخستین بار ویونگها Vivanghan از من نوشابه ساخت^۱ ، و برای این نیک کاریش ، دارای پسری شد چون جمشید .

زرتشت میپرسد دومین تیمار گرتو که بود ^۲ [۷] و هوم در پاسخ از آبتنی یاد میکند و اینکه به پاداش دارای پسری شد چون فریدون .^[۹]

زرتشت از سومین کس که گیاه مقدس را فراهم کرد از ایزد هوم میپرسد . او میگوید سوم کس ثریته Athrat « اثرت » بود از خاندان سام Sâma که به موجب کار نیکش دارای دوپسر شد ، پسرانی چون گرشاسب و اورواخشی Urvâxshya پس زرتشت از چهارم کس میپرسد و هوم میگوید آن نیکوکار پوروشسب Purushaspa نام داشت و پاداش وی آن بود که چون تو پسری را دارا گشت که پراکننده راستی و آینین بھی درجهان شدی .

در دنباله این بندها ، توصیف هوم میآید . زرتشت وی رامیستايد ، هومی که نیک آفریده است و درمان کننده ، دارای اندامی بلند است وزیرین گون میباشد و آشامیدنش از برای روان آرامی و شادی بهترین است . زرتشت با بیانی رسا و شاعرانه از ه-وم طلب نیرومندی و قدرت میکند تا بتواند آیین بهی و راستی را درجهان پراکننده سازد ، مردمان را برای راست گرداند و پیداد و کجر وی را براندازد و دروغگویان و دیوان را از میان بردارد آنچه که زرتشت از هوم میخواهد ، در تأیید آن است که هوم یکی از خدايان بزرگ هندو ایرانی بوده است چنانکه در صفحات بعد در باره اش گفت و گو خواهد شد . زرتشت این خواسته را برای مردمان خود دارد : بهترین زندگی پاک ، تندرستی ، اعتلای روان ، نیرومندی و جسارت برای ستیزه با بدی و زشتی ، درمان بودن از راهزنان و درندگان .

نوع ورosh بیانی که از هوم در سه فصل یسنامی شود ، جای شک و گمانی باقی نمیگذارد که ازوی چون ایزدی اراده شده است ، ایزدی بلند مقام و نیرومند چون ناهید و مهر و بهرام ، اصالت اندیشه و روح آریائی ، بویژه ایرانیانی که از هندوان جدا شده بودند در مطالعه هوم چون دیگر موارد اوستا روشن میشود .

۱ - مقایسه شود با روایتی که ساختن شراب و پدید آوردنش منسوب است به جمشید ، و در ادبیات و دایی به پدر جمشید منسوب میباشد . مقاله جمشید نگاه شود .

عناصر طبیعی ، مفاهیم مجرد وغیر مجرد ، ایزدان و فرستگان و چیزهایی دیگر تنها دست آویزی هستند برای ساختن قالبی که روح ایرانی در آنجایی گیرد . هوم که مسلم و بدون تردید گیاهی بیش نیست ، برای جلوه گری این روح در شکل ایزدی نمایان میشود تا نیکان را نیرو بخشد و بجهت بش برانگیزی اند و پشتیبانی شود از برای سجایای اخلاقی و قهرمانی آنچه که در اوستا بنام عنوان ایزد و فرشته آمده است ، باصراحت در این باره منعکس است و اینها عنوانهایی هستند شاعرانه و بیانی تمثیلی که با تمام نیرو و قدرت در انگیزش نیکی و بهزیستی و فروکوبی بدی و بدمتش ساخته و پرداخته شده اند .

هوم همیشه بیدار است و هشیار . نسل نیکان را میفرمود و به نیک مردان پسرانی میبخشد که شایسته ترین کارها را در گسترش نیکی و تباہی زشتی انجام میدهدن . به دلیرانی که اسب تازان در پی مقاصد انسانی هستند ، جسارت و چالاکی میبخشد ، چون ناهمیده مواده مترصد است تا بزنان زاینده ، فرزندانی نیک بپخشاید و تنها حامی رزمیان نیست ، بلکه به روحانیان نیز که در آموزش آین و طریق زندگی کوشان هستند ، هدیه پارسایی و فرزانگی میبخشد .

دخترانی را که دیرزمانی در آرزوی شوی روزگار سپری کرده اند در حمایت هوم دارای شوهر میشوند

چنانکه اشاره شد ایزد هوم حامی روحانیان نیز هست ، بهمین جهت کرسانی Keressani را که شهریاری بود خودسر و در گاه شاهی مفترور ، و اجازه نمیداد تا روحانیان بکار تبلیغ پردازند زبون کرده وار شهریاری برانداخت .

از بند بیست و پنجم درینما - های نهم ، بارویی دیگر ایزد هوم شناسانیده میشود : خوشابه تو ای هوم که از نیروی خویش شهریار کامر و ۱ هستی ، خوشابه تو که از بسیاری سخنان راست گفته شده بی نیازی . در پناه اهورامزدا در بلندی عای کوه با کمر بندی ستاره نشان مترصد است و نگهبان کلام ایزدی است . نیاشکران و گروه مؤمنان در مراسم ویژه این ایزد ، چنین میخوانند :

ای هوم ، بزرگ خان و مان ، بزرگ ده : بزرگ شهر ، بزرگ مملکت ای در تقدس دانشمندار ، نیرو و بیروزی تورا برای قنم همی خوانم و گشايش بسیار رهانده . بر هان از ما کین کینور را ، به گردن منش خشمنگین را واز هر مردمی که در این خانه ، که در این ده که ... گناه ورزد بر گیر از پاها یش زود ، هوشش تیره ساز ، هنشش در هم شکن ... بوضد راههن نابکار خونخوار

نوشته و گزند آورده دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

در حاشیه تاریخ کرمان

(۲۱)

زمستان گذشت در ۲۱ مارس پلیس جنوب از طرف دولت بر سمیت شناخته شده پلیس جنوب به ۸ هزار نفر رسید دو بربیکار در فارس و یک رئیمان در کرمان ماند. در ۷ آبان ۱۹۱۷ و نوک الدوله سقوط کرد و علاءالسلطنه پلیس جنوب را بر سمیت شناخت.

در شهر کرمان مشهور است که منجم زرتشتی از فتح کرمان و گرفتاری لطفعلی خان در روز معین خبر داده بود و در چند روز پیش از فتح خبر به لطفعلی خان رسید حکم نمود تا آن منجم را درخانه حبس کردند و شماره روز موعود نان و آب باو دادند که اگر راست گفت لشکر قاجار اورا نجات دهند و اگر دروغ گفت بمانند تا بمیرد از اتفاقات چنانکه گفته بود واقع گردید.

وفاداری عجیب گوغا زیان

در طی تاریخ کرمان به حوادثی بر میخوریم که شاید در دنیا کم نظیر باشد از قدما کاری مردم این شهر در حمایت احمد شاه صفوی ولطفعلی خان زند و غیر آن چیزی نمیگوئیم چه بسیار معروف است یکی دو مورد کوچک هست که خود نماینده روحیه مردم این ناحیه محسوب میشود.

امیر محمد مظفریه به حدود جیرفت به جنگ اوغانیان میرود جوانی رشید از اهل بم بنام پهلوان علیشاه بمی با اوست جنگ در میگیرد صحرای وسیع جیرفت از گرد و خاک سواران اوغانی و چرمانی پوشیده میشود در این گیر و دار اسب امیر محمد مظفر زخمی و کشته میشود و سوار یعنی پادشاه از آن بخاک می گلطة. سواران اوغان بن امیر محمد مظفر هجوم میآورند شمشیرها و نیزه‌ها بسوی او متوجه میشود. غوغای قیامت است. امیر محمد مظفر مرگ را دردو قدمی خود می بیند اما در این حیص و بیص پهلوان علیشاه

بمی با اسب خود بکنار امیر محمد میرسد امیر را در گیر و دار من گک و زندگی میبیند از اسب فرود میاید. مهار اسب را به امیر سپرده و میگوید سوار شو و بگریز .امیر محمد باور نمیکند در چنین حالی پدر هم بفکر پس نخواهد بود(یوم لیفرالمره ومن اخیه و هیچکس گرد او نهانده بود این پهلوان جوان مرد خود را اسب فرود آمده چنین تکلیفی مینماید. در اینجا روایتی هم هست که امیر محمد رو به پهلوان کرده میگوید نه تو هنوز جوانی خود سوار شو و بگریز ولی پهلوان اصرار کرده میگوید خیر تو فرمانده سپاهی نجات تو باعث نجات لشکر میشود مرگ من اهمیتی ندارد و بهر حال با اصرار امیر محمد بر اسب او سوار شده فرار میکند و پهلوان بعی پیاده آنقدر شمشیر میزند و شمشیر میخورد تا از فرط جراحت بخاک در مینگاطد.

گفتن این واقعه و بیان آن آسان است ولی تصویر این صحنه درام که خود میتواند بزرگترین سوزه یک نمایشنامه عالی خصوصاً برای کرمانیان و دانش آموزان هم باشد مشکل و عجیب است شاید نمونه این حادثه را در یکی دو مورد بیشتر در تاریخ بشریت نتوانیم بیابیم. این واقعه در مملکتی اتفاق میافتد که شاعر همان مملکت درباره اخلاق اجتماعی مردم آن گوید :

چو از سر بگذرد آب خطرمند
نهد مادر بزیر پای فرزند

بنده نمونه این حادثه را فقط در قضیه غرق کشتی تیتانیک خوانده ام و آن هنگامی است که کشتی غرق شده و مسافرین هر کدام تخته نجاتی بگردند انداده خود را بدربیا میافکنند پیر مردی که تخته ای یافته و میخواست خود را بدربیا افکند دختر جوانی را می بینند که سراسمه بهرسوی دوان است و کشتی هم کم کم فرو میرو و آن دختر تخته پاره ای نمی یابد. پیر مرد دختر را فرامیخواهد ندو تخته پاره خود را از گردن درآورده بدختر میدهد و میگوید (من بمیرم آرزوئی ندارم اما توجواني بگیر و خود را نجات بده و چنین کرد. دختر نجات یافت و پیر مرد باعماق در بیا فرورفت اروپائیها این واقعه را سرمشق فداکاری و اخلاق خود دانسته اند اما ما مردم کرمان این واقعه را در تاریخ خود عجیب تر و گرمند و پرهیجان تر داریم)

در این گیر و دار مبارز الدین به علیشاه گفته بود: (تو هنوز نوجوانی از گلبنان امید گل مرادی نجیده ای با سب خویش سوار شو و از این ورطه خونخوار خود را بکنار اندازو از طوفان بلا بسلامت بیرون آبتصور آنکه اسب را تحمل نباشد اجابت نکرد)

مطلوب عجیبی است این جوان رشید از بیم اینکه اسب تحمل کشیدن دو تن را نداده باشد وبالنتیجه هر دو تن بدست دشمن افتدند قبول نکرد که دو پشته سوار شود اسب خود را با لحاح به امیر محمد سپرد. امیر مبارز الدین سوار نمیشد و میگفت (بیست سال پیش از این

از حضرت امیر المؤمنین عزت شهادت طلب کرده‌ام) اما بالجاج سوار شده بیرون رفت و پهلوان علیشاه با ۸۰۰ مرد پایدار شهید شدند.

بارها محمد مظفر خود این واقعه را بفرزندان خود گفته بود به شاه شجاع و شاه محمود همان فرزندانی که بعدها پدر را گرفتند و بدست خود چشمانش رادرآوردند و زندان افکنندند. واقعاً که خوش گفته‌ایند: الملك عقیم سیاست پدر و مادر ندارد. فقط رفتار پهلوان علیشاه بود که از سیاست گذشته به اخلاق پیوسته بوده آیا مرد سیاستمدار باید از اصول اخلاقی هم پیروی کند یا خیره در این باره گفتگوها فراوان است که جای دیگر باید صحبت کرد.

علیشاه و شاه شجاع هر دو مرد سیاست بوده‌اند. اما آن بیگانه بودو امیری را اخلاقاً نجات داد و این پسر بود و پدر را از نظر مصلحت سیاست و اقتضای دیپلماسی کور کرد و وبخاک سیاه نشاند عجیب آنکه این شاه شجاع همیشه دم از اخلاق و تزهد و بی‌اعتنایی بدنیا میزد و بربی اعتباری دنیا خوب آگاه بوده است.

واقعاً وقتی آدم به از خود گذشتگی‌های کرمانیان میاندیشد که بعضی از آنها فقط روی خیال و توهمند بوده است نه حساب زندگی و سیاست . تعجب بسیار میکنید فی المثل وقتی مخدومشاه مادر شاه شجاع با پهلوان اسد خراسانی نماینده شاه شجاع در کرمان اختلاف حاصل میکنند و طبعاً کرمانیان هم دودسته میشووند (مثل همیشه) پهلوان اسد به مادر شاه بی‌اعتنایی و بی‌احترامی میکند خواجه محمد کرمانی (بعلیا بادی) از اکابر کرمان پیش مخدومشاه رفته میگوید «اگر اشارت شما باشد چاخویان را بگوییم که قصر بر سراوان دارد» واقعاً ادعای عجیبی است روی طینت و فطرت کرمانی بودن که میخواهد حداء‌الای فداکاری خود را نشان دهد در حضور جمع ادعا میکنند که میتواند مقنی و بزرگ‌ها را دستور دهد تا قصر را بر سر اسد خراب کنند.

این ادعا تاحدی شباهت با دعای مرحوم خواجه اسد پاریزی دارد که وقتی ایلات بهارلو (بعد از قتل ناصرالدین شاه) به پاریز و سیرجان هجوم آورده‌اند او قلاع پاریز را مستحکم کرد جوانان بیم آن داشتند که ذخیره باروت و سرب آنان تمام شود و خواجه اسد الله گفته بود (بن نید هرچه میخواهید تیر بن نید اگر سرب تمام شد بجای سرب نقره بشما خواهم داد که در تئنگ بزند) باری ادعای شیخ محمد بعلیا بادی برای کرمان ارزان تمام نشد زیرا این حرف بگوش پهلوان رسید و بدین سخن کینه پهلوان مستحکم شد و شهر بنده کرد و قلاع را مستحکم نمود و مادر شاه شجاع را از کرمان بیرون کرد شاه شجاع لشگری عظیم بکرمان کشید و شهر را در محاصره آورد نه ماه و بیست روز محاصره

طول کشید و قحطی بدان حد رسید که کرمانیان خارج شهریک من جو پکرمانیان میدادند و یکمن نقره و طلا درازاء آن میستادند و واقعاً اگر خیانت زن پهلوان اسد نبود معلوم نبود چه تعداد از مردم این شهر میباشد از گرسنگی بهیرند.

خندوان کرمانیان در هشتاد و طیت

بنای مشروطیت که اولین سنگ آن با پوست کندن آقا حاصل بر دسپری و شیخ احمد روسی در باغ شاه تبریز و پر کردن پوست سرازکاه و بتهران فرستادن آن شروع شد. پشت سر آن تبعید مجده الاسلام کرمانی و فداکاریهای نظام الاسلام و نظام الاطباء و بالآخره قضیه بجوب بستن حاج شیخ محمد رضا آیت الله کرمانی پیش میاید. همه این فداکاریها قبل از تدوین قانون اساسی است و پس از آن مثل همیشه دیگران به مشروطیت کرمان رسیدند یعنی حکومت کرمان و ایالت کرمان هم سالها و حتی تاهیین اواخر بهمین عنوان در اختیار تفکیکداران بختیاری بود و اینان مشروطیت خود را از کرمان میگرفتند.

شیخ احمد مجده الاسلام کرمانی فرزند آقا یوسف از خاندان خاندانقلی بیک افهار بود (که در زمان نادر کشته شد) مجده الاسلام در ۱۲۸۸ قمری متولد و تحصیلات ابتدائی خود را تزد نظام الاسلام پایان رسانید در ۱۳۰ باصفهان رفت و در آنجا بتأسیس مدرسه ای همت گذاشت که متأسفانه بعد از یکی دو ماه در اثر فشار روحانیون بسته شد. چندی بعد ناچار بتهران رفت و در آنجا با مشروطه خواهان همکاری نزدیک و مؤثر داشت در سال ۱۳۲۳ که روحانیون در شاه عبدالعظیم تھصن جستند.

او به جمع آوری اعانه برای آنها پرداخت مجدداً در اثر فعالیت های جدی در اوائل ۱۳۲۴ به کلاس تبعید شدولی بر اثر قیام مشروطه خواهان و صدور فرمان مشروطیت بتهران بازگشت او روزنامه های تدای وطن. محاکمات. کشکول. الجمال را مدت ها منتشر ساخت و مدت ها مبارزات مفصل کرد. در اواخر عمر بکرمان بازگشت و مدتی ریاست معارف کرمان را داشت و در ۱۳۰۶ در کرمان در گذشت و در محلی موسوم به تخت در گاه قلی بیک مسوم مدفون است.

در شعر و ادب یه طولانی داشته است و آثار زیادی از او در دست است از جمله سفر نامه کلاس تاریخ انقلاب ایران - شهر خاموشان وغیره.

مرحوم میرزا علی اکبر خان نظام الاطباء کرمانی از اولین افرادی است که در تأسیس مدارس و مکاتب جدیده سعی بلیغ کرده اند او فرزند میرزا حسین طیب است که در اوخر سال ۱۲۸۲ بر حسب امر محمد اسماعیل خان وکیل الملک حاکم کرمان بتهران مهاجرت نمود

و در همین وقت تحصیلات طب خودرا در دارالفنون شروع کرد در ۱۲۸۴ طبیب نظامی فوج مهندسی شد در ۱۲۹۰ برای است مریضخانه دولتی منصوب شد در ۱۲۹۸ از مریضخانه استعفاء و با میرزا حسین خان سپهسالار به مشهد رفت و چندی بعد دوباره بتهران بازگشت در ۱۳۰۳ باصفهان رفت و در آنجا بیشتر اوقات خودرا به تألیف و ترجمه کتب از زبان فرانسه و تدریس طبابت میگذراند بالاخره بطبابت دربار رسید. از کارهای عجیب او اینکه در زمان نیکه مظفرالدین شاه دست خط مشروطیت را صادر کرد. لیکن هنوز امر مشروطیت ناتمام بود طبیب مخصوص سهواً و یا کس دیگری عمداً دوای عوضی به مظفرالدین شاه داده و آن مرحوم را گمان این بود که او را مسموم نموده‌اند. نزدیک بود خیالات مالی‌خولیائی بسر مظفرالدین شاه افتد که فوراً نظام‌الاطباء که همه رام بهوت و شاه را مرعوب دید بقیه دوارا (که در فرجان نگاهداشته بودند) و اگر طبیب آلمانی دیده بود علناً میگفت این دوا سم است یا مضر) نظام‌الاطبا ملتافت شده که هم‌بعضی در خطرند و هم خیالات موهم شاه را تلف میکند فوراً بقیه دوار الاجر عه به سرکشیده و ته فنجان را با آب خالص شسته و نیز آشامیده و گفت نقلی ندارد دوا مضر نیست بعد از آن به معالجه شاه و خود پرداخته تا تا چندی دیگر شاه را نگاهداشت تا امر مشروطیت مستحکم گردد عجیب اینست که نظام‌الاطبا این راز را بکسی نگفت و راضی نشد که طبیب نادان ازنان خوردن بازماند او سرپسته در خلوت مضار استبداد و منافع مشروطیت را به مظفرالدین شاه میرسانید.

از او پنج پسر و دو دختر یادگار ماند که میرزا علی اصغر خان مؤدب‌الدوله و سعید فیضی از جمله آنان میباشند.

گویند روزی که رضا شاه اذکر مان گذشت و در بندر عباس به کشتی نشست رو به یارانی که تا پای اسکله همراه آمده بودند کرد و گفت:

(از قول من به اعلیحضرت شاه (شاه فعلی) بگوئید که کرمان در زمان من بهره کافی از آبادی نبرده است اعلیحضرت باید آنرا جبران کند و کرمانیان هنوز چشم برآه انجام این توجه هستند و منتظر که عواملی مناسب شود و آب رفته بچوی بازآید).

آگهی

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تغییر محل کار یا منزل آدرس جدید خود را بدفتر مجله اطلاع‌دهنده‌تا مجله با آدرس جدید آنها فرستاده شود
دفتر مجله

ازدرز جاویدان



بهر کجه‌ا که بود سرو قمامتی زیبا
 بدانکه سایه آن قامت خرامان است
 اگر بطرف چمن یاس یا که یاسمون است
 و گر بشاخه گل بلبل خوش الجان است
 اگر لاله بروید بکوهسار و بسدشت
 و گر نرگس و نسرين بیان و بستان است
 هر آنچه هست در عالم ز حسن و زیبائی
 همه زپرت و حسن جمال جانان است
 کسیکه نقش کند روی گل رخش در دل
 چه اعتماد گرش بر گل و گلستان است
 کسی که قصر محبت بدید و منظر دل
 چه حاجتی دیگر او را بکاخ ایوان است
 لطیف‌ها است محبت ز نور یزدانی
 دلی که نور محبت در اوست شادان است
 خوش آن دلی که بود گرم از محبت دوست
 مدام شاد و خوش و خرم درخشنان است
 بیاد دوست توان رست از غم و اندوه
 که بیاد دوست شفا و دوا و درمان است
 ناتمام

نوشته: سر هنگ ۳ موبد (سر باز)

هفله دی

د
ی

سالروز آزادی زنان

شادروان رضاشاه بزرگ بسیاری از آرمانهای نیکخواهان ایران را از: بنیادگزاری بانگک ملی - الای کاپیتولاسیون - یکسان کردن رختها و مانند اینها با جام رسانید که هر یک بنویبه خود ما را در شاهراه زندگی فرسنگها پیش برد یکی از آنها موضوع حجاب بود که از هزار سال پیش بانوان ایران گرفتار آن بودند.

از سالهای نخست مشروطه نیکخواهان بزیان روگیری زنان پی برند و در اندیشه برآنداختن آن بودند ولی چون بدخواهان و مفتخواران هر پیشرفتی را بزیان خود میدانستند بنام هواداری از دین در نگهداری زنها در چادر میکوشیدند.

پس از روی کار آمدن رضاشاه کبیر که دست بدخواهان از کارها کوتاه شد و حنای مفت - خواران از رنگ افتاد درباره زیانهای روگیری نویسندهای دلسوز و میهن پرست در روز نامه ها گفتارها نوشتند که سرآمد آنها شادروان احمد کسری تبریزی بود که از یکم آذر ۱۳۱۱ به پراکندن مهندام پیمان آغاز کرد و از نخستین شماره آن زیر عنوان (خواهران و مادران ما) سود وزیان روگیری زنها را در ترازوی خردمنجید و بکسانیکه روگیری و پرده داری را پاسبان زن همینداشتند گفت:

« ما بدیده می بینیم که زنان ناپاک هم روبند دارند و این حجاب آنان را از نابکاری باز نمیدارد و همچنین بهواداران روگیری زنها که آنرا دستور دین می پنداشتند روش

ساخت که حجاب یا پرده داری زنها که پیغمبر اسلام فرموده دو چیز است : یکی آنکه با مردان بیگانه در نیامیزند و دیگر آنکه در بیرون خانه ساده و بی آلایش باشند.

سخنان شادروان کسری و دیگر هواداران پیشرفت ایران کار خود را کرد و در دلها جا گرفت و زمینه را آماده ساخت و شادروان رضا شاه که خود نیروی محركه هر پیشرفت بود از این آرمان نیک پشتیبانی کرد تا اینکه در هفده دیماه ۱۳۱۴ در تهران و شهرستانها در آغاز بانوان داشمند و روشنفکر با خشنودی چادر از سر برداشتند و در سال ۱۳۱۵ نیز صورت قانونی بخود گرفت و همگانی گردید و این بند هزار ساله بادست شاهنشاه بکسر گشوده شد.

درده‌ای اجتماعی را ز راهش چاره کرد

هفده دی پرده جهل زنان را پاره کرد

بانوان را در شئون زندگی آماده کرد

ارزش و نیروی زن گردید زان پس آشکار

رفته رفته لیاقت بانوان آشکار گردید درهای دانشگاه و بیمارستانها بروی آنان باز شد و از آن تاریخ دوشادوش برادران خود کوشیدند بویژه در کارهای فرهنگی و بهداشتی بیش از مردان شایستگی نشان دادند.

اوایل برخی از بانوان هوسران تن در گفتند و خود را مانند هنرپیشه‌های سینما می‌آراستند و با آرایش‌های ذوق‌نامه که زینده بانوان آبرومند ایران نبود در کوچه و خیابان نمایان می‌شدند و بهانه بدست بدخواهان میدادند.

تا اینکه پس از شهریور ۱۳۲۰ که بدخواهان زمینه را برای بدخواهی و کینه‌توزی آماده دیدند کوشیدند که دوباره بانوان را بگرفتن رو و ادارندا کر چه جز زنان پیر و یا بیسواند دیگران از روگیری استقبال نکردند ولی چند سالی سنگه راه پیشرفت گردید. از سوی دیگر بانوان داشمند بخردانه به نبرد پرداختند و شاهنشاه آریامهر نیز در این پیشامدها از آزادی بانوان پشتیبانی کردند تا اینکه انقلاب سفید شاه و مردم نقشه‌ای بدخواهان را نقش برآب کرد و بانوان در انتخابات مجلس شورا و سنا نیز همکام برادران خود گردیدند.

اکنون که دوشیزگان و بانوان ایران با رمانهای خود رسیده‌اند امیدمندیم همانگونه که در درون خانه بپاکدامنی و پارسائی و وفاداری و خانه‌داری شناخته شده‌اند در بیرون از خانه نیز ساده و بی‌آلایش باشند و برای یاری به پیشرفت انقلاب سفید شاه و مردم و اقتصاد کشور از خریدن و پوشیدن پارچه‌های بیگانه خودداری کنند و پیکر خود را با پارچه‌های ایرانی بیارایند و با این کار نیک روان رضا شاه بزرگرا شاد گردانند.

* بمناسبت ۲۵ آذر روز مادر

* حبیب الله فرازمند

تنهای به تو... به تو... مادرم! به تو.

مادر ! ترا به رقص و سوسه‌انگیز شعله‌ها
 مادر ! ترا به معبد دلداد کان مهر
 مادر ! ترا به ایزدان نگهبان راستی
 مادر ! ترا به داور دانا ؛ به اورمزد
 مادر ! ترا به آنکه نخستین سرود را :
 با نام جاودانه «مزدا» سروده بود
 مادر ! ترا به پاکترین یادگار تو :
 آئین جاودانه نیکان روزگار -
 مادر ! ترا به تو... به تو... سوگند میدهم ،
 هر لحظه از زمان بیاد آراینکه من :

مهر ترا هموشه بدل جای داده‌ام .
 نقش ترا همیشه و هر کجا که بوده‌ام
 اتصویر گردادم ،
 تعظیم گردیدم ،
 و ... نیایش که : «مادری»

* اینک برای تو سوگند میخورم :
 بعداز خدا ،

(که تو آموختی بمن :

او آفریدگار هستی هر آفریده‌ای است)

بعد از نیایش و خشور راستین ،

(کز گفته‌های تو آموختم که او :

کپش خدا پرستی انسان بنا نهاد .)

بعد از اطاعت آئین جاودان ،

(کاین درس عشق به آئین ، هم از تو بود .)

تنها بیاد تست که در خواب میروم

هر شامگاه که تا خواب بینم .

تنها بیاد تست که بیدار میشوم

هر بامداد که آغاز زندگی است .

* بیدار میشوم که عاشقانه ستایش کنم ترا

زیرا که عاشقانه به تو مهر بسته‌ام .

تنها به تو... به تو... مادرم ! به تو .

تشریکیل دیپلماتیک آقای هرمن تلیارخان رزیو دستکن اعتمان دبار اشتر آهنگ و شیان

سالن

بمنظور آشنائی با جناب آقای هرمزد تلیارخان یکی از شخصیتهای سیاسی و اجتماعی هندوستان و یکی از اعضای هیئت حسن نیت هندوستان انجمن زرتشتیان تهران از همکیشان خود دعوت نمود که روز پنجم شهریور ۱۳۴۹ ساعت سه بعد از نیمروز در تالار خسروی حضور بهمن رسانیده وازین شخصیت عالیقدر زرتشتی دیدن نمایند با آنکه فرصت دعوت بسیار اندک بود مغهذا عده کثیری از همکیشان که ازین خبر اطلاع حاصل نموده بودند با اشتباق و شتاب خودرا به محل موعد رسانیده و برای دیدار جناب آقای تلیارخان دقایقی را بانتظار گذراندند.



مقارن ساعت ۳ و سهربع عزیالیه بتالار خسروی ورود نمودند . حضار بر پا خاسته با کف زدن ممتد ایشان را بگرمی استقبال نمودند .

تلیارخان بآرامی از بین جمیعت گذشته و با فروتنی و باسخ به ادای احترام به پشت میز خطابه قرار گرفتند در این هنگام حلقه گل زیبائی توسط سرکار بانو مروارید گیو به بقیه درستجو ۵۸



**بیانات جناب آقای ارباب رستم گیو معاذور محترم
و رئیس انجمن ذرتشتیان تهران در مجلس معارفه
با جناب آقای هوی (هرمز) تلیارخان وزیر
محترم هندوستان**

جناب آقای هوی تلیارخان وزیر محترم هندوستان
با نوان و آقایان ارجمند.

جای بسی خوشوقتی و مسرت است که امروز جناب آقای هوی تلیارخان که از
پارسیان عالیمقام و از شخصیتهای بر جسته هندوستان هستند در این مجلس تشریف دارند
و حضار گرامی بدیدار و ملاقات ایشان نائل میگردند و ایشانهم پس از سالیان دراز که آرزوی



زیارت سرزمین مقدس ایران و دیدن زادگاه اجداد و نیاکان نامدار و همکیشان زرتشتی را داشته و اینک نصیبیشان گردیده آثار شادمانی بر چهره شان نمودار است . اینست که بنده بنما یندگی جماعت زرتشتیان ایران و روشنان را بخاک ماممیهن صمیمه ای تبریک و شادباش عرض مینمایم .

جناب آقای هومی تلیارخان در ۸۴ سال پیش قدم بعرصه وجود گذاشته و تحصیلات خود را دردانشگاههای بمبئی ولندن پیاپان رسانیده و سالها از اعضای فعال حزب کنکره ملی در بمبئی و سه بار نیز بنما یندگی مجلس قانونگذاری استان بمبئی انتخاب گردیده است .

جناب آقای هومی تلیارخان در ۹ سال پیش همراه یک هیئت حسن نیت بدعوت حضرت پرزیدنت ترورمن با ایالات متحده امریکا سفر کرده و بعداً بمعاونت پارلمانی ریاست وزراء حکومت استان مهاراشترا که مرکز آن بمبئی است انتخاب شده و در پنج سال پیش نیز بسمت وزارت بهداشت عمومی انتخاب گردیده است و علاوه با ازمانهای مهم فرهنگی و اجتماعی در بمبئی نیز همیشه همکاری داشته است .

اخیراً نیز جناب آقای هومی تلیارخان که فعال در مقام وزارت مسکن ادارات ، انتشارات و خزانه و جهانگردی استان مهاراشترا ای بمبئی را نیز تحت نظر دارد از طرف دولت معظم هندوستان با پنج تن دیگر از شخصیتهای بر جسته هند بعنوان هیئت حسن نیت پس از بازدید از چند کشور خاورمیانه به تهران تشریف آورده اند .

جناب آقای هومی تلیارخان علاوه بر اینکه همیشه وجود با شخصیت و مفید و خدمت گزار لایق و پرارزشی برای دولت و ملت شریف و نجیب هند بوده نسبت بزرگی ایرانی بمبئی نیز همواره راهنمای و مددکار و خیرخواه بوده اند .

ما امیدواریم جناب آقای هومی تلیارخان و همراهان عالی مقامشان از کشور شاهنشاهی ایران با سوابق تاریخی و دوستی کهن فيما بین با خاطرات خوش ایران را ترک نموده و درود فراوان و پیام محبت آمیز هارا نیز بعموم خواهان و برادران گرامی پارسی هند اعلام دارند .

قضاضا از هشتگر گین همچو هم شهر و همانها

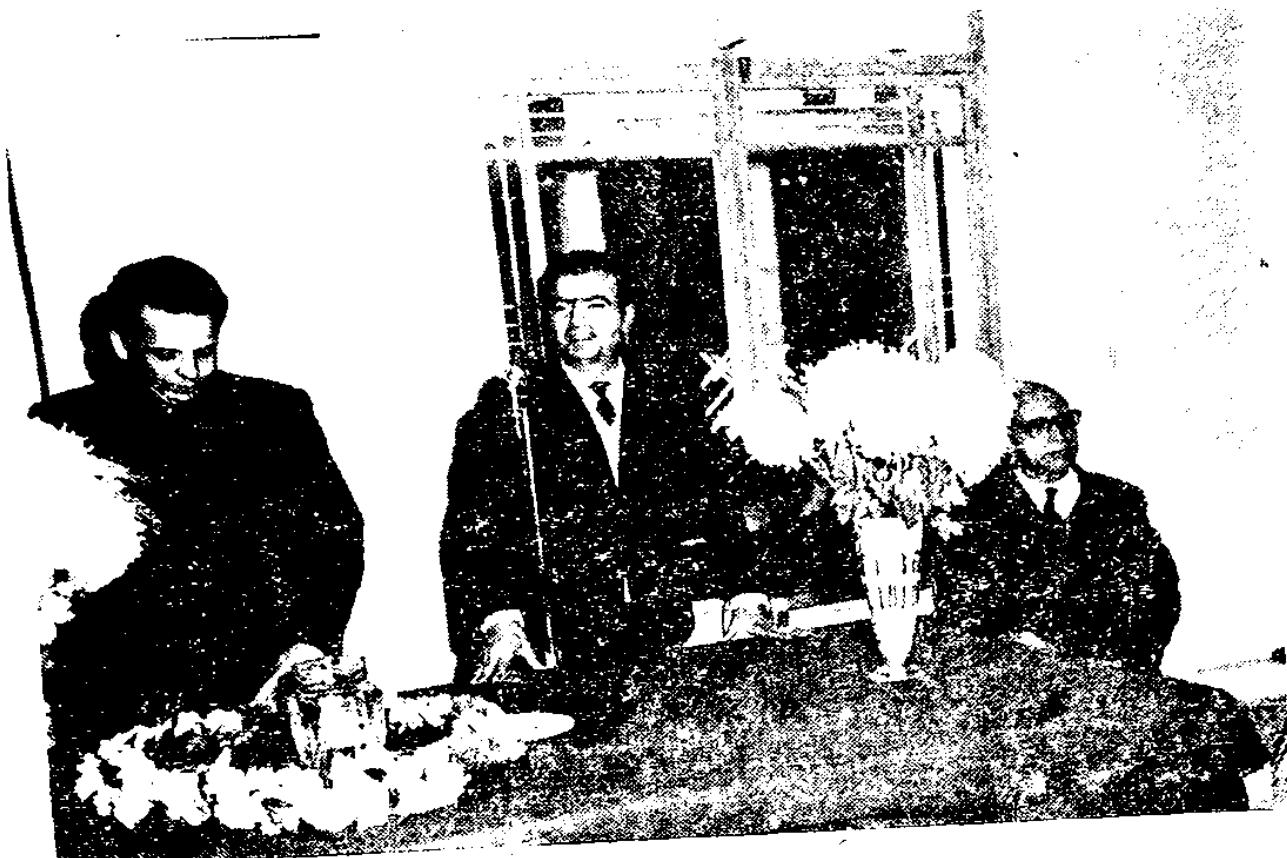
خواهشمند است آن عده ایکه تا بحال آبونمان خود را بنما یند گان مجله نپرداخته اند هر چه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهد بود .

دفتر مجله

دستور از جناب آقای هاشمی تلیما رخان در مجلس وزیر فرد آذینی زرتشتیان تهران

سناوار محترم جناب آقای ارباب دستم گیو رئیس انجمن - خانمهای و آقايان از مرانب تحلیل و سخنان محبت آمیز جناب آقای رئیس بسیار سپاسگزارم نه تنها از طرف پارسیان یعنی زرتشتیان هند بلکه ازسوی عموم اهالی آنجا درود فراوان و سپاس تقدیم میدارم .

من سالها بود آرزوی آن داشتم که ازکشور شما و همکیشان خود دیدن نمایم خوش - بختانه سعادت یاری نمود که با اعضاي هیئت حسن نیت مأموریت آمدن بکشور شما یافته واردیدار همکیشان خود بروخدار گردم من یقین دارم عدهای از شما را بهاء مستقیم باکشور هند داشته و اگرهم را بهاء تجاری و اقتصادی نداشته اند ازیک پیوند معنوی دیرین



با مردم هند و پارسیان برخوردار بوده‌اند مقابلاً هم مردم هندوستان خود را باشما مردم ایران دوست و برادر میدانند بسیاری از عادات و رسوم مشترک از دوران بسیار قدیم ما با رت داریم واینک نیز یقین است که هر دو ملت از این حسن روابط شادمان و در تحریک آن کوشایستند.

من ترقیاتی را که در کشور شما مشاهده نمودم با آنچه که در روزنامه‌ها و گزارشها خوانده‌ام قابل قیاس نیست بحقیقت من شاهد ترقیات شگرفی در کشور شما هستم که برای من تصورش قبل غیرممکن بود.

آنطوری که من احساس نمودم این ترقیات برق آسا مدیون رهبری و حمایت شاهنشاه آریامهر است و در ضمن لازم است تصریح نمایم که استعداد ذاتی و تلاش ملت ایران نیز عامل پذیرش چنین ترقی که در تحت راهنمائی و پیش‌بند شاهنشاه آریا مهر نصیب کشور شما گشته مثمر اثر بوده است.

مسرت دیگری که بمن دست داده آنست که همه شمارا در کوشش و کار خود موفق می‌بینم وهمه را دریک آسایش و شادمانی مساوی مینگرم و باز باید بگویم این کامیابی‌ها مدیون بذل توجه شاهنشاه شماست که همواره ناظر پر ترقیات این کشور است و میدانم شما زرتشتیان همواره از عنایات مخصوص شاهنشاه آریا مهر برخوردار هستند چنانچه سایر همیه‌نان شما هم از آن موهبت بهره‌مندند.

بسیار شادمانم که زرتشتیان ایران همانند سایر برادران خود شهرت نیکی را در جهان برای خود حفظ نموده و در نتیجه انجام خدمات اجتماعی و نیکوکاری مورد احترام هستند در اینجا نیز می‌بینم و می‌شنوم که چه در تهران و چه در یزد و چه در کرمان خصاً ول ذاتی خود را حفظ نموده در خیرخواهی پیوسته حسن نیت از خود نشان میدهند همانطور که شما برای کشور خود مردمان مفید هستید ما پارسیان نیز در هندوستان خدمات شایان توجیهی در رشته‌های مختلف انجام داده ایم که از قدردانی و توجه مخصوص مردم هندوستان برخورداریم و از این طریق روابط صمیمانه خود را با سایر مردم و اهالی هند تضمین نموده همانگونه که بین زرتشتیان ایران و پارسیان هندوستان این صمیمیت برقرار است ما پارسیان یا بهتر بگوییم زرتشتیان مقیم هندوستان نه تنها در رشته مختلف خدمات اجتماعی از قبیل فرهنگ و هنر و بهبود بخشیدن اوضاع عمومی موقوفیت داشته‌ایم بلکه قسمت اعظم صنعت و اقتصاد هند را پایه‌گذار بوده و وظیفه اساسی را بر عهده داشته و داریم خدمات ما محدود بطبقه پارسی نبوده بلکه بادید و سیعتری نسبت بسایر همیه‌نان خود گسترش داشته است.

با آنکه مازرتشیان از حیث تعداد درجهان زیاد نیستیم معهداً از هر کشوری که دیدن نمود توانستم عده‌ای از همکیشان خود را ملاقات نمایم البته در ایران تعداد قابل توجهی هستند که شنیدن و دیدن موقوفه‌های آنها مرا خوشحال می‌سازد.

دیروز که تأسیسات و مؤسسات فرهنگی - درمانی و اجتماعی انجمن شما را دیدم بسیار برای من افتخار آمیز بود و من خوش وقت شدم که نه تنها این مؤسسات مورد استفاده زرتشیان است بلکه می‌بینم که همه هم‌میهنهان شما از آن بهره برمی‌گیرند اینها نتیجه تعالیم عالیه مذهبی هاست که همه زرتشیان جهان از آن پیروی نموده و خوشبختانه سرمشق زندگانی آنها قرار دارد.

در تمام این فعالیتها بمن ثابت شد که شما لیاقت و شایستگی آنرا دارید که مقام ارزش‌های را در اجتماع بدست آورید یقیناً با این روش نیکوکارانه خداوند هم بار و مدد کار شما خواهد بود و همین رویه است که توانسته‌اید قرنها خود را حفظ و احترام دیگران را بخود جلب نمائید و اینک نیز از حمایت شاهنشاه خود بخوردار باشد اینها همه نتیجه خدمات صادقاً شهامت و با این تدبیر پیشرفت‌های بیشتری نصیب شما خواهد گشت.

قرار است روز شنبه افتخار شرفیاً بحضور شاهنشاه آرامهر نصیب هیئت‌حسن نیت شود در آن موقعیت نیکو هدف هیئت که خدمت بتحکیم مبانی دوستی بین دو کشور است بعرض خواهد رسید.

دوستی ایران و هند سوابق قدیمی دارد از اینجهت هیئت‌اطمینان دارد که این دوستی را تحکیم بخشیده و وظیفه‌ای که بر عهده گرفته با کمال صداقت انجام خواهد داد. اصولاً مردم هند صلح‌دوست و از تعالیم رهبری چون گاندی بخوردار نند که صلح و صفا را برای همه مردم جهان خواستار بود و آنرا با ایمان کامل بجهانیان آموخت روانشاد نهرو نیز پر و همین مکتب بود و برای تأمین صلح درجهان می‌کوشید.

اینک با نهایت مسرت و ایمان کامل بعرض میرسانم که شاهنشاه خردمند شاههم در جهان به صلح‌خواهی شهرت نیک یافته و در تأمین و برقراری آن‌همواره کوشیده و حسن نیت خود را نشان داده است برای ما مسلم است که مقصود ماهم مورد حمایت معظم‌الیه خواهد بود.

هند آذرومند است که با همسایگان خود وبالاخص با پاکستان عوالم صلح و دوستی داشته باشد و یقیناً این مراتب تأمین خواهد گشت ما درجهان برای صلح و حفظ استقلال خود تلاش می‌کنیم و تحقق این آرزو را برای همه از خداوند خواستاریم.

در کشور هند برای تمام طبقات و مذاهب مساوات تأمین است و هیچ‌گونه محدودیتی

برای کسی قائل نیستیم کما اینکه پنجاه میلیون مسلمان در هندوستان که بعد از کشور اندونزی و پاکستان جمعیت قابل توجهی هستند با اکمال آزادی و برابری زندگی میکنند و بدون هیچگونه امتیازی نسبت بدیگران از آسایش برخوردارند.

مسلمانان هندوستان نیز همانند سایر همیه نان خود آرزومند سر بلندی هند بوده داشتن روابط صمیمانه با تمام ملل جزء آرمان آنهاست و بارها از دولت پاکستان درخواست نموده اند که روابط صمیمانه خود را با هند توسعه بخشند دولت وملت هند نیز آرزومندند که که با تمام دول و خاصه با پاکستان در صلح و صفا بسر برند.

ما همواره آزادمنشی و حسن نیت خود را بجهانیان نشان داده و اینک نیز امیدواریم ملاقاتی که در آینده تزدیکی بین سران دوکشور در تاشکند دست میدهد سوء تفاهمنات موجود رفع و دوستی جایگزین آن گردد.

ماهر دولت هند و پاکستان در عالم صنعت و اقتصاد در حال توسعه و آغاز امر قرار داریم و بیش از همه بصلاح و آرامش نیازمندیم و یقیناً توفیق هر دولت مدیون برقامه ریزی صنعتی و اقتصادی صحیح است که با همکاری مقدور خواهد بود همانگونه که در کشور شما عمل شده و به نتیجه نیکوئی سرانجام یافته است و با این طریق ترقی سطح زندگانی برای مردم کشور تحقق یافته است.

بعقیده من ایجاد حسن تفاهم بین کشورها تنها از طریق سیاسی مقدور نیست بلکه از طریق مبادلات تجاری - فرهنگی - هنری - ورزشی - توریستی و دید و بازدیدهای سیاسی بهتر تأمین میگردد.

در این دوروزه ملاقاتهایی که هیئت بامقامات اقتصادی - بازرگانی و صنعتی داشت همه را علاقمند به توسعه روابط دیدیم شما زرتشتیان نیز که از دیرزمان روابط اقتصادی با ما داشته اید اینک نیز میتوانید نقش مهمی را در تحریم آن داشته باشد.

قبل از اینکه بمطالب خود پایان بخشم باید بگویم که دیدار شما همکیشان برای من بسیار لذت بخش بود و این همه عنایتی که جناب آقای رئیس در ضمن بیانات خود نسبت بمن ابراز فرموده و همچنین از دیگر اعضای انجمن و بانوان و آقایان حاضر در مجلس سپاسگزارم آرزوی قلبی من آن بود که فرصت بیشتری برای دیدار همکیشان یزد و کرمان داشته باشم اینک که اشتیاق تحقق نیافت امیدوارم در آینده فرصت نیکوتری نصیب من گردد.

بار دیگر با سپاسگزاری از همه همکیشان بسخنان خود پایان میبخشم.

سخنرانی آقای اردشیر جهانیان فایپ رئیس انجمن

وزرتشتیان تهران در پاسخ به بیانات چناب آقای

هوی (هرمز) تلیار خان وزیر هنر و هنرستان

و عضو شیوه حسن نیت هند اعزادی باوران

جناب آقای هوی تلیار خان من از طرف خود و حضار محترم ازشنیدن بیانات شیوا و آموزنده جنا بعالی صمیمانه سپاسگزاری مینمایم.

بطوریکه از چهره فرد فرد بانوان و آقایان مشهود است همگی از دیدار جنا بعالی مسرت خاطردارند و در خود احساس غرور و افتخار مینمایند.

با این فرصت کم مقدور نبود که بتوانیم تمام همکیشان خود را برای حضور در این مجلس باخبر سازیم تا در این مسرت همگانی شرکت جویند و یقیناً از این توفیقی که نیافرماند متأسفند همچنین زرتشتیان یزد و کرمان که انتظار واشتیاق فراوان بددارشما دارند متأثر خواهند گشت اما امید است همانطور که وعده فرمودید در آتیه نزدیکی با فرصت بیشتر بکشور ما آمده از تخت جمشید و یزد و کرمان و سایر نقاط دیدنی و دیگر همکیشان مادیدن نمایید این موجب افتخار ماست که بازدید از مؤسسات اجتماعی ما جنا بعالی را مسرور داشته است بحقیقت باید بگوییم که پارسیان هندوستان نخستین پایه گذار آن بوده اند ولی زرتشتیان ایران نیز با شایستگی ذاتی خود بر آن افزوده و بصورت مدرن و کاملتر و امروزی بوجود آورده اند ما میدانیم که شما پارسیان در هندوستان این خدمت را بنحو بزرگتر و وسیعتر انجام داده اید که در حقیقت موجب اعجاب تمام مردم جهان است من نیز در دو سال پیش هنگام شرکت در دوین کنگره جهانی زرتشتیان شاهد عظمت آن بودم و در برابر آنهمه تأسیسات بحیرت افتادم و با این طریق راز عزت و احترام شما را در میان جمیعت کشید هند دریافتمن.

خوشبختانه زرتشتیان ایران از آغاز دوره پر افتخار پهلوی که فرصت ابراز لیاقت یافته آنچنان در این میدان کوشیدند که امروز ما دارای عده قابل توجهی از افراد تحصیلکرده و دانشمند در رشته های مختلف پژوهشکی هندسی و معماری - علمی وادی

شماره ۱۰۵

هوخت - دوره شانزدهم - سال ۱۳۴۴

صفحه ۳۷۴

از : دارا نورافروز سرمانی

مهر مادر



من اگر مهر پرستم تو مکن منع دلم
شهره شهر بد از روز ازل تابه ابد
که سرشتند باین مهر همه آب و گلم
مهر مادر که من او را بجهانی نهلم
همه خوئی نه بنام است چو این قدسی خوی



گوهر کان عزیزان جهان مادر هست
کس درین پاییه واین رتبه بپایش نرسد
یار و دلدار همه عالمیان مادر هست
وانکه عمر پست دوچشمی نگران مادر هست
همه روئی نه گرام است چو این قدسی روی
عشق میورزد و پروانه صفت میباشد
جان شیرین زبس او سوزدوهم میسازد
دل پر خون وی از لاله حمرا بدراست
داغ این لاله شر رها بجهان اندازد
همه مشکی نه چو این لاله بود قدسی بوی



کلمک بی قدرت من قادر تو صیغش نیست
کی توان گفت که این موهبت علوی چیست
فقط اینقدر توان گفت که ای دوست فقط

یار مطلق به جهان خواهی اگر جز او نیست
زیر پایش همه جنت بود ای قدسی جوی

آگاهی

هفمازه اردشیر خسرو یانی واقع در خیابان فردوسی نزدیک هجیمه
سلوبات بزر نازه و گزاصههان هنارش شده را مانند ممالهای گذشته قمیه و
در دستور من عموم هشتگریان هجتیرم گزارده است.

شنهای هیتوانید با تلفن های ۴۰۹۱۸ و ۴۰۱۷۲ برای قمیه و هنارش
شیرینی شود با ما تماس بگیرید.

نامه‌های رسیده

نامه‌ای از آقای خسرو فریدون وخشوری بدفتر مجله رسیده که در آن از دو مطلب

بحث نموده است :

نخست راجع بنامه آقای مژگانی که در اجمع بروش دفن نکاشته ایراد گرفته و پیرخی نوشته‌ها هم استناد نموده‌اند.

چون یادآوری آقای وخشوری از احساسات مذهب خواهی سرچشم‌گرفته و ناشی از علاقه پرسوم و عادات تجمیلی گذشتگان است بنا برین باید آنرا قابل احترام دانست اما در عین حال لازم است توجه داشته باشند که مذهب زرتشت و تعالیم این پیامبر بزرگ برپایه خرد و اندیشه نهاده شده است و از اینجهت دانشمندان جهان آنرا مذهب تعقلی دانسته‌اند نه تعبدی - چنانچه در سراسر گاتاهاهم پیروی از اندیشه نیک و خرد پاک پرمان رفته و بدوري از آنچه که خردپسند نباشد دستور صریح داده شده است واژطرف دیگر چون این مذهب یک آئین جهانی و جاودانی است - تغییر و تائید رسوم و عادات و یا بزبان دیگر فروع دین بحسب بزرگان و خردمندان وقت سپرده شده تا با مقتضیات زمان و مکان عادات و رسوم را منطبق با اصول مذهب پرقرار دارند.

بنا بر این آنچه که غیر قابل تغییر میباشد اصول مذهب است یعنی اندیشه نیک - گفتار نیک - کردار نیک و همانند آن و بسیاری از تعالیم اصولی دیگر که ذکر آن در اینجا سخن را برداز خواهد کشید . در هر حال چنانچه رویه غیر ازین باشد بمفهوم حقیقی مذهب عمل نشده است .

مطلوب دوم آقای وخشوری راجع با این شادی و شادمانی در مذهب زرتشتی است که در نامه خود یادآور شده و مورد تائید ایشان است - این حقیقتی است مسلم و نیاز باستدلال ندارد و آنچه هم انجمن محترم زرتشتیان تهران راجع بروزهای پرسه‌داری در اطلاعیه خود یادآور شده‌اند بر مطالعات دقیق دانشمندان جماعت هنکی بوده و از اصول خردپسندی که از تعالیم مسلم اشوز رتشت سرچشم‌گرفته پیروی شده است .

نامه دوم

از دو شیوه شهناز سروش رسیده که در آن پرسیده‌اند (تعداد آتشکده‌های که در ایران ساخته شده چند بوده و اکنون چه آثاری از آنها باقی میباشد و در صورت امکان نام ده آذرکده را خواسته‌اند)

هوخت - در زمان ماسانیان و پیش از آن در شهر و ده آتشکده‌ای بربا بوده که آثار بسیاری از آن در کشور و بخصوص در استان فارس هنوز باقیست و در کتابهای تاریخی راجع به آثار باستانی نوشته شده باشانی از آن ذکر شده است اما معروفترین آتشکده‌های باستانی که در تاریخ از آن باحترام یاد شده عبارتند از :

آتشکده آذرگشتب در آذر بایجان - آتشکده آذر فرنیغ در کاریان فارس - آتشکده آذر برزین مهر در خراسان . از آنگذشته در کتاب مورخین بنام آتشکده‌های دیگر هم بر می‌خوریم که از اینقرارند :

- ۱ - آذرنش ۲ - آذر بهرام ۳ - آذر آمین ۴ - آذر زرتشت ۵ - آذر آباد ۶ - رام برزین
- ۷ - خوردادبه ۸ - آتش کوشید ۹ - آتش توس ۱۰ - آتشکده بارا ۱۱ - سروش آذران ۱۲
- آتشکده بومپیر ۱۳ - آتشکده بومجوان ۱۴ - کی اردشیر آتشکده ۱۵ - آتشکده پشاور ۱۶
- آتشکده کنگ ۱۷ - ارجان ۱۸ - نیشا بور ۱۹ - نسا ۲۰ - اسپینا ۲۱ - آز خدا ۲۲
- مهر فرسی ۲۳ - هزاپند ۲۴ - استیناس ۲۵ - استخر ۲۶ - نیاسر کاسان ۲۷ - پارسا گرد ۲۸
- آتشکده شاپور ۲۹ - همچنین آتشگاه معروف باکورا که هنوز هم آثار آن باقیمانده میتوان نام برد.

ضمناً باید در نظر داشت که در دوران باستان پیشاپیش سپاهیان ارا بهای که در آن مجمری از آتش فروزان قرار داشته و آنرا نماینده قدرت شاهنشاه میدانسته‌اند در حرکت بوده و این مجمر فروزان پس از فتح و غلبه بر هر شهر و کشوری با بنای مخصوصی (آتشکده) در آنجا مستقر میداشته‌اند چنانچه در بسیاری از کشورهای ایران (غیر ایرانی) آثار آن کشف شده است و گاهی هم بنام معبد هر که همان درب مهر باشد خوانده‌اند . این سنت هم اکنون هم در مراسم ورزشهای بین‌المللی المپیا پیروی شده و آتش مخصوص از آتن حمل و در میدان ورزشی مستقر می‌گردد.

این بود اندکی از آنچه که در کتابهای بسیار یاد شده و امید است داشمندان و نویسنده‌گان محقق کمر همت بر بسته تاریخچه آتشکده‌ها را بتفصیل گردآوری و کاری که تا بحال نشده بسرا انجام نیک رساند .

نامه سوم

با عضای یکنفر ناشناس زرتشتی رسیده که بملت ناشناس بودن امضا نویسنده از انعکاس آن خودداری می‌شود اما در ضمن از مراجع و اجد صلاحیت برای تحقیق ارسال و در صورت تحقق واقعیت نتیجه رامنکس و اقدام لازم مبذول خواهد شد.

شماره ۱۰۴۹
تاریخ ۲۲/۹/۴۴

از جمله آثار ملی

اداره مجله گرامی هوخت

مقاله دانشمند گرامی جناب آقای اردشیر جهانیان در باره کتاب اقلیم پارس که در شماره ۹ آذرماه ۱۳۴۴ درج گردیده طی آن شرح بسیار جامع و شیوه ای راجع با آثار تاریخی گرانقدر و نفیس ایران مرقوم رفته ضمناً نسبت به انجمن آثار ملی و مؤلف کتاب نامبرده ابراز لطف فراوان فرموده بودند ملاحظه و موجب نهایت سپاسگزاری گردید.

یقین دارد اینگونه عنایات و تشویق و توجه بهر گونه خدمت مربوط با آثار باستانی و یادگارهای تاریخی در امر تعمیر و نگهداری و پاسداری آنها و دلگرمی کسانی که بدینگونه وظائف ملی اشتغال و دل خوش دارند بیش از پیش مؤثر بوده امیدواری به ادای حق شایسته تر مفاخر فرهنگی ایران و میراث معنوی این هر ز و بوم را بسی افزایش خواهد داد.

پیوسته مزید توفیق نویسنده کان محترم و کارکنان ارجمند آن مجله گرامی را از پروردگار بزرگ مسئلت مینماید.

رئیس هیئت مدیره

سپهبد آقاؤی

هوخت - از این همه عنایات و موهبتی که نسبت بنویسنده کان این مجله ابراز فرموده اند بی نهایت سپاسگزار است و توفیق همه خدمتگزاران به شاه و میهن را از درگاه اهورامزدا خواستار است.

قابل قوچه هشتگر گیف هختیرم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هر ماه مجله هوخت نرسد بدارو خانه داریوش و یا چاپخانه راستی تلفن ۰۳۹۶۲۴ اطلاع دهند و همچنین آنها یکه مايل باشتر الک مجله هستند میتوانند تلفن نام و آدرس خود را اطلاع دهند تا قبض آبونمان و مجله برایشان فرستاده شود.

از : سرهنگ ۲ هوبد (سر باز)

دانشجوی دانشکده اردنانس دانشگاه نظامی

پا کمردان پا پیامبران

.....
.....
.....

برتری داده به انسان با «روان» پروردگار

کرده او را با «خرد» دارای ارج و اعتبار

آدمی شد آفریده واجد «جان» و «روان»

داده شد روز نخست اندر کف او اختیار

پستی و خودخواهی و آز و ستم از جان بود

هر زمان اندیشه نیک از روان شد استوار

سنجهش هر نیک و بد اندر جهان شد با خرد

بر خردها پا کمردان گشته‌اند آموزگار

کشور ایران کزو بر خاسته (زرتشت) پاک

گشته‌اند ایرانیان ز آیین پاکش رستگار

گفت او من می‌ستایم راستی را در جهان

می‌ستایم همچنان مرد و زن پرهیز کار

او نخستین رهبر یکتا پرستی بسوده است

نام او تاریخ ایران را نشان افتح‌ار

خواند (موسا) قوم اسرائیل بر دین پاک

گشته از فرمان دهگانه کلیه کامکار

بقیه در شماره آینده

خبر ماه

۴۴/۸/۲۵

- ۲ - روانشاد خداداد بمان پارسائی زندگی
در ۴۴/۹/۱۱
- ۳ - روانشاد گوهر با من فر هنگی نزد
در ۴۴/۹/۱۹
- ۴ - روانشاد ظهرا ب جمشید خسرو پور در
۴۴/۹/۲۱ از جهان در گذشته آن د روانشان شاد
باد.

اعاناتیکه و هش کنندگان نامبرده زیر در برای استفاده از قالارهای اجتماعی و مذهبی پرداخته آن د آ درین

۱ - آقای ادباب مهر بان مهر وزیاد	۷۰۰	ریال
۲ - آقای ادباب مهر بان منشی	۰۰۰	ریال
۳ - » گشتاسب حافظی	۴۰۰	ریال
۴ - خانواده کاجی	۲۰۰	ریال
۵ - پانو شهرابی	۲۵۰	ریال
۶ - خانواده کیوانی	۲۰۰	ریال
۷ - آقای رستم ستوده نیا	۲۰۰	ریال
۸ - خانواده روانشاد گوهر رشید	۵۰۰	ریال
جمع		۲۵۰۰

تهران

زفافشوقي

- ۱ - آقای مهندس کیخسرو اهورائی فرزند آقای موبید بهمن بادوشیزه به دخت سلامت دخت آقای خدارحم در ۴۴/۹/۳
- ۲ - آقای خدارحم پور بمانی چم فرزند بهرام بادوشیزه فیروزه نوشیروانی چم دخت آقای بهرام در ۴۴/۹/۱۲
- ۳ - سر کار ستوان یکم پرویز ماندگاران فرزند آقای کیخسرو با دوشیزه همایون مهرانی دخت آقای مهندس خسرو مهرانی در ۴۴/۹/۱۸

صدور ۵ پوشه

- ۱ - آقای کامبیز بهرام فروغی در ۴۴/۹/۶ از طرف خودشان در منزل
- ۲ - دوشیزه مهیندخت اردشیر خادمی در ۴۴/۹/۱۲ از طرف آقای فریدون ابن فریدونیان در منزل
- ۳ - آقای شاپور شهریار اهورائی زاده در ۴۴/۹/۱۲ از طرف آقای فریدون ابن فریدونیان در منزل

در گذشته‌گان

- ۱ - روانشاد گشتاسب بهرام کیوانی در

- ۷ - دهش گل بازو خانم سفرنک نیاز شوره رام ایزد چراغ مهتابی بزرگ یک عدد
۸ - دهش آقای تیرداد سروشیان نیا شاهوره رام ایزد بشقاب هسی ۳ دانه

شاھو رهرام ایزد

- | | |
|---|----------|
| ۱ - آقای ایدل جی ایدل جی | ۲۵۰ ریال |
| ۲ - « شاه بهرام ستوده » | ۲۰۰ |
| ۳ - « رستم کسرائی » | ۱۵۰ |
| ۴ - « بانو همایون مزدائی » | ۱۵۰ |
| ۵ - آقای هرم زدیار تیمساری » | ۱۰۰ |
| ۶ - آقایان بهرام انوشه - کیخسرو خوش رو رشید فرامرزیان - جاماسب فرهوشی جمعاً » | ۱۸۰ |
| | ۱۰۳۰ |

جمع

گواه گیری و سالن جشنگاه

خسروی

- | | |
|--------------------------------------|-----------|
| ۱ - آقای مهندس کیخسرو اهورائی بابت | |
| گواه گیری ۱۵۰۰ ریال | |
| ۲ - آقای خدار حم پور بمانی جم بابت | |
| گواه گیری ۱۵۰۰ ریال | |
| ۳ - سرکار ستوان یکم پروین ماندگاریان | |
| ۱۵۰۰ ریال | |
| | ۴۵۰۰ ریال |

جمع

سالان آیرج = پرمه

- | | |
|---------------------------------------|----------|
| ۱ - وراث روانشاد گشتاسب بهرام کیوانی | ۳۰۰ ریال |
| ۲ - وراث روانشاد خداداد بمان پارسا ای | ۲۰۰ ریال |

دهش خیر آنلیشان

- ۱ - توسط آقای ارباب خدام مراد ایدون دهش سرکار بانو هما ایدون برای مصرف خیر یه ۵۰۰۰ ریال

- ۲ - سرکار بانو لعل نوزد جمشیدیان به مناسبت سرسال روانشادان پدر و مادر گرامیشان برای کمک به نیازمندان ۱۰۰۰۰ ریال

- ۳ - آقای ارباب هرم زد تیمساری بمناسبت سرسال روانشاد شیرین مهربان تیمساری مادر گرامیشان برای کمک به نیازمندان ۳۰۰۰ ریال جمع ۶۳۰۰

دهش خیر آنلیشان آفایه

- دهش آقای شاپور مهرشاهی بنامگانه شاد روان ارباب بروز شاپور پدر گرامیشان نیاز آدریان میز آهنی یکدانه

- ۲ - دهش پریچهر ارباب مهربان فرین نیاز آدریان دیک آلمینیوم ۱ دانه

- ۳ - دهش دولت خانم گیو نیاز آدریان فنجان چینی چایخوری یکدست ایضاً کارد آشپزخانه دانه .

- ۴ - دهش تاج خانم رشیدی بنامگانه روانشاد هر مزان بروز رشیدی نیاز آدریان سماور نفتی یکدانه

- ۵ - آقای بهرام رستمی بنامگانه روانشاد شاپور رستمی عصر آبادی نیاز کاخ فیروزه دولجه مسی یک عدد

- ۶ - آقای خداداد خدا بخش راحت آبادی نیاز شاهوره رام ایزد سماور نفتی یک عدد

هرمزدیار جوانمردی فرزند دستم سدره پوش شدند .

۲ - روز آذرایزد و آذرماه برابر ۳ آذر ماه ۴ بهمناسبت سراسال روانشادبانو آزرمیدخت دستم کی نزد رئیس سابق جلسه بانوان زرتشتی یزد :

دوشیزگان سرور سیوشانسی فرزند کاووس و پوران سیوشانسی فرزند کاووس سدره پوش شدند.

۳ - روزگوش ایزد و آذرماه برابر ۸ آذر ۴ آقای هرمزدیار اردشیر خورشیدیان بهمناسبت سراسال روانشاد مادرشان سلطان رشید - فرزندشان رشید خورشیدیان را سدره پوش کردند.

۴ - روز دی بهمن ایزد و آذرماه برابر ۹ آذرماه ۴ بهمناسبت سراسال روانشاد ارباب شهراب دستم کیانیان رئیس سابق انجمن زرتشتیان یزد - آقایان رشید ماوندادی فرزند کیخسرو - اسفندیار غریب شاهی فرزند خداداد - جهانگیر فرودی فرزند شهریار سدره پوشی شدند

۵ - روز زامیاد ایزد و آذرماه برابر ۲۲ آذرماه ۴ بهمناسبت سراسال روانشاد ارباب جمشید پریز پرویزان : آقایان گشتاب خاوریان فرزند خدارحم و خدامرا دکاجیان فرزند گشتاب سدره پوش شدند .

از انتخاب شیوه‌ت دلکیزه

روز آدینه ۵ آذرماه ۴ انتخاب دوازده نفر اعضای هیئت مدیره سازمان جوانان زرتشتی یزد بعمل آمد و درنتیجه آقایان زیر انتخاب شدند .

فریبرز نسیمی رئیس

- | |
|--|
| ۳ - وراث روانشاد کیخسرو رشید کیخان زاده ۲۰۰ ریال |
| ۴ - وراث روانشاد گوهر فرهنگ نژاد ۲۰۰ ریال |
| ۵ - وراث روانشاد ظهر اب خسرو پور ۲۰۰ ریال |
| جمع ۱۱۰۰ ریال |

درمانگاه یگانگی

بیماران مراجعه کننده	۷۸۶ نفر
» دندانپزشکی	۱۸۶
» داروخانه	۵۳۲
» آزمایشگاه	۱۱۱
» تزریقات و پانسمان	۳۹۶
» بخار پنسیلینی	۱۰
» دیاترمی	۶
واکسن و بازتریق شده	۱۸۶ نفر
جمع	۲۲۱۳ نفر
شرکت محترم نسبی فرهنگی و شرکاء برای مصرف بیماران بی ضاععات تعدادی کصدد عدد پنسیلین بدرمانگاه یگانگی اهداء نموده است.	

یزد

از : آقای نسیمی

نمکر ۵ پوششی

- ۱ - روز انارام ایزد و شهریورماه برابر ۴ شهریورماه ۴ بهمناسبت سراسال روانشاد ارباب دستم خدا یار خدا یاری آقایان دستم و وزرمگاه فرزند شهریار و

شماره ۱۰

عوخت - دوره شانزدهم - سال ۱۳۴۴

صفحه ۲۹

زرتی این بزرگ کمک نمودند که وجب سپاسمندی است.

همایش پژوهش و مهندسی افقات در سازمان

و باشگاه جوانان فرهنگی پژوه

روز دهم آذرماه : از ساعت ۱۵/۰۰ مجلس جشن در سازمان و باشگاه جوانان زرتی این بزرگ باشد و جناب آقای فرماندار محترم و نماینده محترم وزارت اطلاعات - رئیس محترم اداره کل آموزش و پرورش - کفیل محترم شهربانی - رئیس محترم کشاورزی - معاون محترم فرمانداری و عده‌ای از شخصیت‌های فرهنگی و اداری و بانوان و آقایان زرتی حضور داشتند.

بر نامه جشن عبارت بود از سرود شاهنشاهی خیر مقدم و گزارش توسط آقای نسیمی - مسابقات بسکتبال و پینگ پنگ - نمایش فیلم شاهنشاه آریا و هر - بازدید جناب آقای فرماندار و جناب

شهریار خداواری نایب رئیس

هرمزدیار خورشیدیان - صندوقدار و

حسابدار

جهشید رشید رهبر امور مالی

مهندس سیروس دیانت مدیر داخلی باشگاه

مهندس باستانی مدیر دفتر و کتابخانه

شاهبهرام کیانیان بازرس

فریدون گشتاسبی هر بی‌زیبائی اندام و هالت

شهراب نیکجو بازرس

رسم امامت بازرس

مهندس بهرام پیمان مدیر قسمت نمایش و

موسیقی

کیخسر و مدامی بازرس

دشنه خیر آندریشن

آقای دکتر هریان شهریونی در ماه گذشته

مبلغ هزار ریال بیوودجه سازمان و باشگاه جوانان



و اجنبماعات و مجالس سخنرانی مجبور نباشد کاهی پوشاهای حسینیه هارا کرایه کنند وزمانی از سالنهای کوچک آموزشگاهها استفاده نمایند.

چشین فرشته‌گان در سالان آه رزشگاه دختر آنه مارکار

روز شانزدهم آذرماه ۴۴ در سالن آموزشگاه دختر آنه مارکار یزد از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر به مناسبت سیزدهمین سال نهضت نوین پیش‌آهنگی ایران مجلس جشن و سخنرانی و نمایش در حضور جناب آقای فرماندار و بانو و جناب آقای رئیس کل آموزش و پرورش و عده زیادی از فرهنگیان و آقایان و بانوان زرتشتی برگزار شد.

جناب آقای فرماندار و آقای رئیس کل آموزش و پرورش بیانات جالبی ایراد وطی آن از جماعت زرتشتیان و فعالیت‌های فرهنگی آنان تعریف و تحسین نمودند.

این جشن با سرود شاهنشاهی آغاز گردید با نو سیمین نسیمی خیر مقدم گفت. نمایش قشنگی اجرا شد - جناب آقای فرماندار بگردن فرشتگان دستمال گردان بستند - پیش‌پرده‌های جالبی خوانده شد - پذیرائی بعمل آمد - آقای سروش لهراسب سرپرست مؤسسات مارکار - آقای لسانی رئیس پیش‌آهنگی یزد دوشیزه خورشید چهر دستانیان و قهرمان فرشتگان و آقای خدا باری دبر انجمن خانه و مدرسه سخنرانی نمودند.

گشناویش آرامگاه زرتشتیان یزد

روز چهارم آذرماه ۴۴ آرامگاه زرتشتیان یزد گشاپیش یافت و بانوم روارید شهر یار چمشیدی

آقای رئیس آموزش و پرورش و اعضا انجمن تربیت بدنی از سالنهای زیبایی اندام - هالت - پینگک پنک - دفتر - کتابخانه سالن نیمه تمام جماعتی هنگام بازدید از سالن جماعتی جناب آقای فرماندار سوال نمودند که چرا سالن نیمه تمام مانده است آقای نسیمی در جواب بعرض رساندند که بودجه ساختمان سالن تمام شده است و برای تکمیل آن در موقع مقتضی بخیراندیشان مراجعه میکنیم ولی هنوز به نتیجه‌ای رسیده‌ایم. از خداوند متعال آرزومندیم که دستی از غیب برون آید و کاری بکند.

سالن نیمه تمام

سالن جماعتی بطول ۲۹/۷۰ متر بعرض ۱۲ متر که با اعماق خیراندیشان ارجمند به پایی سقف رسیده سه چهارسال است که نیمه تمام مانده است و با وجود احتیاجات فراوان که بمحل بزرگ اجتماعی داریم هنوز این سالن نتوانسته است برای جماعت مورد استفاده باشد.

برای تکمیل و دکوراسیون این سالن بودجه در حدود پنجاه هزار تومان بـرآورده شده است که از سروران و نیکپنداران جماعت انتظار می‌رود که محل زرتشتی‌نشین را تنهای تهران تصور نفرمایند و نظر مساعدت و اندیشه کمک خود را به یزد و جوانان یزد نیز معطوف دارند و فرزندان وهم- کیشان عزیز خود را که راضی نشده اند یا نتوانسته اند یزد را ترک کنند بادست عطفت و کیسه فتوت خود نوازش فرمایند و بدانند که زرتشیان یزدهم حق حیات داشته و آرزو دارند که سالن سرپوشیده مجهز داشته باشند تا موضع برگزاری جشن‌ها

بلندی در آرامگاه دفن گردید ،

آرامگاه تا اینروز برای دفن در گذشتگان آمادگی نداشت .

در نتیجه فعالیتها و خدمات و آمدوشهاي آقایان شهریار خدایاری - شاه بهرام کیانیان - بهمن عدالت و سروش نارنجی که تا پاسی از شب گذشته بطول کشیدتا آرامگاه برای دفن آمادگی پیدا کرد .

روز هیجدهم آذرماه ۴۴ کودک خردسال دوشیزه سور شهرباری فرزند آقای دکتر شیر مرد شهریاری در آنجا دفن گردید .

روز ۱۹ آذر ماه ۴۴ بازو گلچهر دیانت فرزند خدایار شاه کاووسی در آرامگاه مزبور دفن گردید .

دفن در گذشتگان نامبرده بالا طی مراسم مخصوص و باخواندن اوستای روان و تواردستهای کل از طرف رئیس انجمن زرتشتیان یزد و منسوبان در گذشتگان انجام گرفت .

باید است که آرامگاه زرتشتیان یزد سال ندارد - ساختمانی برای اوستا خواندن و انجام مراسم ندارد - درختکاری و آب ندارد - خانه برای مستحفظ ندارد .

اعانه خیراندیشان که برای آرامگاه پرداخته اند به صرف دیوار اطراف و دربهای ورودی و ساختمان پاکشوی خانه و حمام و لوله کشی آن و طرح خیابان آرامگاه وغیره رسیده است و محلی برای ساختمان و هزینه های بعدی موجود نیست . از خیراندیشان جماعت انتظار میرود که دست از آستین بیرون آورند و بودجه تکمیل آرامگاه را تأمین نمایند .

کرمان

تشکیل جمعیت خیریه زرتشتی

کرمان

برابر اجازه نامه رسمی شهربانی و آگهی رسمی منتشره بمنظور انجام خدمات اجتماعی و فرهنگی و توسعه امور مذهبی و کمک به بینوایان زرتشتی و بهبود وضع همکیشان جمعیت بنام جمعیت خیریه زرتشتی کرمان تشکیل یافته که هیئت مدیره آن عبارتند از آقایان :

- ۱ - دکتر دینیار مزدیسنا رئیس
- ۲ - منوچهر سروشیان نایب رئیس
- ۳ - بهرام رستمی حسابدار
- ۴ - خداداد سیامک عضو
- ۵ - فریدون ویژه کشورستانی عضو
- ۶ - شاهرخ کیانیان عضو
- ۷ - خسرو کیانیان عضو
- ۸ - شهریار سروشیان عضو
- ۹ - جمشید هماوند عضو
- ۱۰ - شهریار شهمردان عضو
- ۱۱ - رستم فرهی عضو

چون عده ای از اعضای هیئت مدیره جمعیت از ثروتمندان بنام هستند یقیناً پیشرفت مردم و تأمین ممنظور اصلی جمعیت را که همانا خدمات اجتماعی و کمک به بینوایان و بهبودی وضع عمومی همکیشان است بادهش جوانمردانه و سخاوتمندانه خود امکان تحقق خواهد بخشید و با این تدبیر موقیت جمعیت و هدف اصلی خود تضمین و تأمین خواهد گشت .

وظیفه اجتماعی که به پرده گرفته‌انداز در گاه‌ها هورا مزدا خواه‌اند.

اینک با منتظر انتشار خبرهای امیدبخش و مسرت آورتر توفیق همه آقایان را در راه انجام



بیک خبر از لندن

از: شهریار بخردنیا

بمناسبت تشریف فرمائی جناب ارباب دستم و مرادی خانم گیو بلندن انجمن و باشگاه زرتشتیان مقیم لندن برای انجام مراسم آشنایی و بافتخار ایشان مجلس جشنی برپا و خیر مقدم گفته شد که بطور اختصار جریان آنرا بعرض میرسانم.

بعد از ظهر یکشنبه هفتم آذر ماه سال جاری مجلس و مراسم آشنایی توسط اعضای انجمن در محلی موسوم به خانه زرتشتیان با حضور گروه بیش از صد و بیست نفر

برگزار و پس از صرف چای و خواراک‌های خوش مزه هندی آقای جهانگیر موس رئیس انجمن در طی بیاناتی بارباب دستم و خانم خیر مقدم گفته و شمه‌ای از کارهای خیر و نوع پرورانه آن جناب را بیان و مخصوصاً از احداث آب انبار و لوله‌کشی آن بسر چهارراه‌ها در یزد و راحت کردن مردم را از مصیقه بی‌آبی و ساختمان دستم باع و منزل و مسکن دادن بیش از نود خانه وار زرتشتی و و ساختمان دستانهای دخترانه و پسرانه و آدریان و جایگاه ویژه برای پذیرائی در تهران پارس و مدرسه دخترانه گیو در خود تهران و بسیاری از کارهای نیک دیگر ایشان و بالاخره کمک مالی بیکسر بودجه انجمن و غیره غیره اسم برداشده

شرح بیک بیک آن نامه را بدرازا می‌کشاند سپس ارباب دستم در پشت بلندگو قرار و در جواب از رئیس انجمن که ایشان را بجنین مجلسی دعوت نموده‌اند تشکر و از دیدار همکیشان زرتشتی خود در لندن اظهار خشنودی و شادمانی نمودند و از اینکه پارسیان تصمیم قطعی گرفته‌اند که باشگاه و خانه بزرگتر و آدریان ایجاد کنند ستودند و از خداوند خواستار شدند که ایشان را در این امر مهم کامیاب داشته و در ضمن سخن اظهار امیدواری نمودند که خداوند توفیق دهد که ایشان نیز بتوانند در این کار خیر و بایسته شر بیک و هم انباز گردند مخصوصاً برای پیشرفت و رسیدن بمقصود افراد را به یگانگی و اتحاد تشویق و ضرر نفاق و دوگانگی

شماره ۱۰

هوخت - دوره شانزدهم - سال ۱۳۴۴

صفحه ۵۰

ساخته و اداره میشوند بیمارستان گودرز نیز در درخدمت مردم یزد قرار دارد در تهران دستانها و دیبرستانهای دخترانه و پسرانه و کودکستان که دو دیبرستان آن از وجه خیریه پارسیان هند بر روی زمین انجمان زرتقیان ساخته شده پذیرشگاه پارسائی و چند تالار برای برگزاری مراسم دینی و جشن و عروسی و همچنین کتابخانه و درمانگاه یگانگی که با بهترین وجه مجهز و مورداستفاده همکیشان میباشد ویک پرستشگاه (شاه و رهرام - ایزد) ویک آدریان در خود تهران ویک آدریان در تهران پارس که با دهش خیراندیشان ایرانی تأسیس و مشغول کار واستفاده هستند اسم برندگه حضار همگی از شنیدن این اخبار بسیار شادمان و مسرور گردیدند و برای اینکه بیشتر از زندگی مردم ایران آگاه شوند ارباب رازچپ و راست بدمولات و پرسشهای گوناگون پیچیده موضوع دخمه و آرامگاه و طرز نگهداری آدریان و تعداد موبدان و طرز اجرای مراسم پنجه وغیره وغیره پرسیدند که به تمام پرسشهای جواب قانع کننده داده شد.

در پایان دسته گلی از طرف پارسیان توسط دو شیوه شهین بخردنیابه با نو مروارید خانم گیو تقدیم گردید

سپس آقای جهانگیر موس جناب ارباب رستم و خانم را برای بازدید سایر قسمتهای ساختمان از قبیل اطاق بیلیارد و تئیس و کتابخانه و اطاق پرستش هر اهی و راهنمایی نمودند و جلسه در ساعت هشت بعد از ظهر با شادی و مسرت فراوان خاتمه یافت

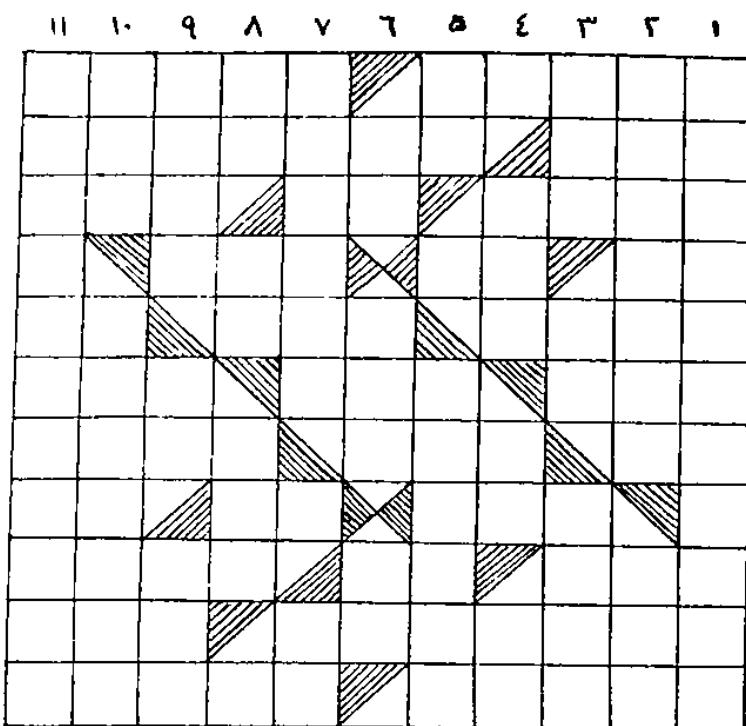
را گوشزد و یاد آور شدند که هضرترين و نابود گننده قریون چیز برای هر - امده مخدوش آن جماعت کوچک چون جماعت ما زرتقیان همین نفاق و دودستگی است و درنهایت فروتنی و تواضع اظهار فرمودند اگر ایشان کار و خدمتی انجام داده اند صرفاً برای اجرا نمودن تعليمات و دستورات اشو زرتقیت بوده ولذا بجز دوری از دستورات دینی و وظیفه انسانی و وجودانی کار دیگری نکرده اند.

از آنجائیکه همه میدانیم پارسیان بسیار مشتاق و دلباخته ایران و میل فراوان بدیدار از ایران و دانستن اوضاع و چگونگی زندگی برادران ایرانی خود بیویزه وضع دینی و آموزشی آنان هستند لذا از ارباب رستم خواهش نمودند که تا ممکن است ایشان را در جریان گذاشته و اخبار خواهان و برادران زرتقی ایرانی خود را بآذناها بکوید.

ارباب: رجواب بدنبال سخن چنین فرمودند در شهرهای زرتقیت شنین هر کدام دارای مدارس آدریان و سایر بنگاههای عام المتفق هستند از قبیل پذیرشگاه و درمانگاه شادروان ارباب خداداد عصر این در کرمان و آدریان و چهار دستگاه دستان و دیبرستانهای دخترانه و پسرانه که با دهش و اعماقات خیراندیشان خود محل کرمان ساخته و اداره میشوند در شهر یزد دستان و دیبرستان های دخترانه و پسرانه مارکار و چند دستان و دیبرستان عای دیگر و یک آتش بهرام و چند آدریان عای در شهر و چه دردعات اطراف که از دهش خیراندیشان خود محل و با پارسیان هند

طرح : اردشیر خورشیدیان

جدول کلمات هفقط



- افقی :**
- ۱ - شهری است از استان فارس -
 - ۲ - آنار - نام گیاهیست (از رده سرخها)
 - ۳ - چیه . رسمت
 - ۴ - در نواختن موسیقی از آن استفاده میکنند -
 - ۵ - پار پراکنده - ۴ - تربت
 - ۶ - بود ر بش را گرفتند -
 - ۷ - نوعی خاک است - پیش و گذشته ۵ - شیدا - همان
 - ۸ - بام است - حرف ربط -
 - ۹ - در حمام یافت میشود.
 - ۱۰ - سن - دانستن در وجہ

امری ۷ - فيما بین بین - معروف به شاخ و دم بودن است - پرتوان - ذرا نهاد - ۸
اینهم خودش حرفیست - صبر تلخ است ولیکن ... شیرین دارد. در تاقر چون پنده کشیده شود نمایان میگردد. ۹ - مزد - مانند - دعاتی کمر شکسته ۱۰ - کوچیست در شمال - جاده ۱۱ - قصی القلب - رازنا گفته ناگفته.

عمومی :

- ۱ - از نویسنده‌گان مشهور فرانسوی (۱۸۴۴ - ۱۹۲۲) .
- ۲ - قدیمی - آنرا در روزهای عید و شادمانی میگیرند - ۳ - نشان - لنگ حمامی که وسط آن پاره شده باشد - یکی از شهرهای استان مرکزیست که حرف آخرش کمی بد تلفظ شده ۴ - جزو سبزی خوردنیست - بی وغش - نداد بیاد ۵ - نیز - از نویسنده‌گان یونانی (۴۰۶ - ۴۹۵) - ۶ - اشاره بدور - دوتای از آنها را مرغها دارند - شوهر ۷ - ۷م نام کشوریست وهم نام میوه‌ای - ... کس ... چیز ۸ - انگور - یکی از شهرهای استان کرمان - اوه ! او صاحب جنس خشن است - ۹ - راه و روش - عددیست - به پیچه‌ائیکه از کار میافتد اطلاق میشود ۱۰ - یکی از ابزارهای موسیقی - یکی از فصول سال ۱۱ - آموختنیها و باددادنیها.

نیروهای مسلح شاهنشاهی در خدمت مردم

اداره روابط عمومی و امور روانی ستاد بزرگ ارتشیاران با فتخوار روز ارتش (۲۱ آذر ۱۳۴۴) مجموعه بسیار زیبائی تحت عنوان « نیروهای مسلح شاهنشاهی در خدمت مردم » محتوی حقایقی از خدماتی که ارتش برای مردم و گروه واقعی ملت انجام داده چاپ و برای مطالعه در اختیار همینهنان قرارداده است.

برای مردم ایران این حقیقتی است مسلم که در طول تاریخ از زمان باستان و پیش از دوره درخشان ارتش شاهنشاهی ایران نه تنها در ضمن فداکاری و از خود گذشتگی بحفظ آزادی وحدود و استقلال کشور کوشیده بلکه در راه خدمات اجتماعی و پیشرفت سطح زندگانی مردم در زمان صلح کوشش بیدرینانه مبذول داشته است.

این مجموعه گویای حقایقی از اجرای منویات خجسته شاهنشاه آریامهر است که ارتش جوان ما یعنی نیروهای سه‌گانه زمینی - دریائی - هوائی از طریق تعلیم فنون و بهبود پخشیدن وضع عمومی خدمات شایان تقدیری بنام خدمات زمان صلح برای مردم انجام داده اند.

همین خدمات صادقانه فرزندان عزیز سرباز است که مردم ایران ارتش خودرا از جان و دل ستد و در برابر آن سربکرش فرودمی‌آورد. ماهمهواره سر بلندی و سرافرازی چنین ارتش خدمتگذاری را از درگاه اهورامزدا خواستاریم.

مژده

مژده

((فروشگاه فروهر))

انواع کفش - پیراهن - سماور - چراغ - لوازم آرایش - ساعت و قواره پارچه خارجه و داخله وغیره را ده درصد تخفیف می‌دهد.

با یکبار هر اجمعه صدق گفتمارما معلوم می‌شود.
نشانی: گرمان بازار هظفری اول پاساز محمدیه - فروهر

سازمان زنان زرتشتی آذرگان را جشن گرفت

ار ساعت ۵ بعداز نیمروز سهشنبه ۴۶۹/۲۳ مجلس جشنی بمناسبت آذرگان در محل سازمان زنان زرتشتی برپا بود که در آن عده زیادی از بانوان و تعدادی از آقایان همکیش حضور داشتند.

نخست سرکار بانو فرنگیس یگانگی به حضار خیر مقدم گفتند و بعد برنامه تفریحی و هنری دوشیزگان اجرا شد.

سپس آقای موبد اردشیر آذرگشسب پیرامون آذر و آتش و آذرجشن و مقام آن مطالبی بیان داشته و در پایان از آداب و رسومی که هنگام ورود باشکده باید اجرا شود بتفصیل توضیح دادند. در پایان نیز برنامه موسیقی باشکت هنرمندان سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) اجرا گردید که بسیار جالب بود. این مراسم تاساعت هفت ادامه داشت.

دوستان عزیز، گهیله جو آنان زرتشتی

از اینکه در روز خجسته ۲۵ آذر بذل محبت و ابراز عنایتی فرموده مرآکه بعنوان غرورانگیز مادر کلوب دختران زرتشتی مفتخرم سرشار از مهر آسمانی نموده و روح شیفته و مشتاق مرا آکنده از صفاتی بهشتی خویش ساخته اید سپاسی فراوان دارم و آرزنده آنم که پیروزمندانه در راه هدف مقدس خود پیش رو بوده و از این طریق روحانی و خدائی در اعتلای نام وطن و انها رخوت و سستی موفق و مؤید باشد

زمرد گشتاسب

پیکره هماخواه زرین

آزار رساننده که پیکر پارسا نابود هیکند ، ای هوم زرین ، سلاح بزرگ . بر ضد ... دروغ پرست ستمکار ... گمراه گمند ، ای هوم زرین ، سلاح بزرگ . آنچه که در بادی امر اختلافات فراوانی را میان هوم در اوستا و سوم Soma در سانسکریت نشان می دهد ، اختلافهایی است ظاهری ، چون در حقیقت در ودایها و اوستا تعبیر کنایه‌یی و رمز و استعاره ، و بهتر گفته شود ، زبان شعر تغییر پیدا کرده در قسمت آینده خواهیم دید که این مدعای تاچه حد درست است . توجهی به هوم یشت [یستنا ، ها : ۱۱ - ۱۰ - ۹] مقایسه‌یی درودا ، مارا با این اصل رهنمون میشود . اینک بمضامین و مفاهیم عده‌های هوم پردازیم .

پس از عصر نخستین اوستا و صدر آین ذرت است ، هنگامی که عناصر پیشین تجدید حیات کردند ، هوم ایزد بازهم دارای مقامی بلند گشت . هنگامی که مؤمنان سرود نبایش می خواندند ، خواهان آن بودند تازمرز و بومشان زشتی‌ها و بدی‌ها و دیوان پراکند . گردند ، دور شوند از : این خان و مانی که از آن اهورا هم زد است که از آن هوم راستی پرور است .^۱

۱ - یستنا - ها ۱/۱۰

ناتمام

آگهی

از آنجا که از جشن سدره پوشی گذشته این سازمان همکیشان ارجمند استقبال فرموده اند با خرسندی فراوان با آگاهی همگان برادران و خواهران گرامی می‌رساند که از این پس هر زمان که تعداد کودکان داوطلب بحد نصاب برسد ، سازمان اقدام ببر گزاری جشن سدره پوشی همگانی مینماید .

از کسانی که خواستارند فرزندانشان را در این جشن سدره پوش نمایند دعوت میشود برای نامنویسی همه روزه از ساعت ۵ پس از نیمروز بدفتر سازمان مراجعه فرمایند .

پیشیه صیر مقاله

زرتشت انسان را آماده پیشرفت بسوی کمال تعلیم فرموده و دست یابیش بخوشبختی و کمال برپایه هفتگانه امضاپندان یعنی - خوشبختی بخش‌های جاودانی و یا پاکان بیمرک مقرر داشته و انسان کامل و خوشبخت واقعی راکسی دانسته است که خود را واجد این شرایط گرداند:

نخست - به یکنائی خداوند (اهورامزدا) ایمان کامل داشته باشد و اهورامزدا را آفریدگار بیهمتا بشناسد.

دوم - اندیشه و منش خود را بپاکی و براستی بیاراید.

سوم - امور زندگانی خود را بر استی و بر روی نظم درست قراردهد.

چهارم - باور داشته باشد همانگونه که برای حفظ بقا و ادامه حیات نیرومندی لازم آمده هر کس نیز باید خود را از طریق جسمانی نیرومند و از راه کسب دانش روان را توانا سازد.

پنجم - باید با عشق و امید بزنندگانی آئین مهرورزی و فروتنی را اختیار کند.

ششم - بوسیله پاکی و پاکیزگی باید در راه تندرنستی تن و روان بکوشد و خود و زندگانی را از هر آلایش و ناپاکی بدوز سازد.

هفتم - باید کسب دانش را بمرحله کمال رساند و در چنین مقامی است که بادست یابی بحقیقت کمال میتواند بیمرگ و جاودان گردد.

جاودانی این تعالیم نیاز بدلیل و بر هان ندارد اینها اصولی هستند که با هر زمان و و مکان سازگار است و میتواند همواره سرمشق جهان و جهان نیان باشد.

پس هر آینه زرتشت بدرجه شهادت رسید و تن و پیکر خجسته اش بخاک تبدیل گشت باید بیگمان قبول نمائیم که آثار وجودی و دستورهای سعادت بخشش برای همیشه زنده و درخشن خواهد ماند.

معنای غروب هم که برای خودشید یاد میشود باید گفت مفهومی است واقعی - زیرا غروب نه خاموشی و نه گرایش بتاریکی است بلکه انعکاس نور از سوئی به سوی دیگر است.

چاپخانه راستی

تلفن ۳۹۶۲۴

بُشیله گین و فلسمفنه

او میگفت :

« هرچیزی انباشته از خدایانست » طالس آبراماده اولیه ساختمان جهان میدانسته و داشت امروز عقیده او را بجامیداند، زیرا دوسوم آب « هیدروژن » میباشد . بعقیده‌ایرانیان باستان و برخی از فیلسوفان یونانی - جهان از چهار عنصر آتش - آب - خاک و باد فراهم آمده ، ولی زرتشت ، آتش را عنصر اصلی میداند و بنام « آذر مزدا » دریسنات مهمنفلسفی در اینباره سروده شده است .

هر اکلیتوس فیلسوف یونانی نیز ماده اصلی جهان را آتش میدانسته و کتابی در این مبحث تألیف کرد . داشت امروز - آتم Atom را از ذرات لایتجزای الکترون electrons و پروتون protons وماده همه عناصر ساختمانی جهان میداند .

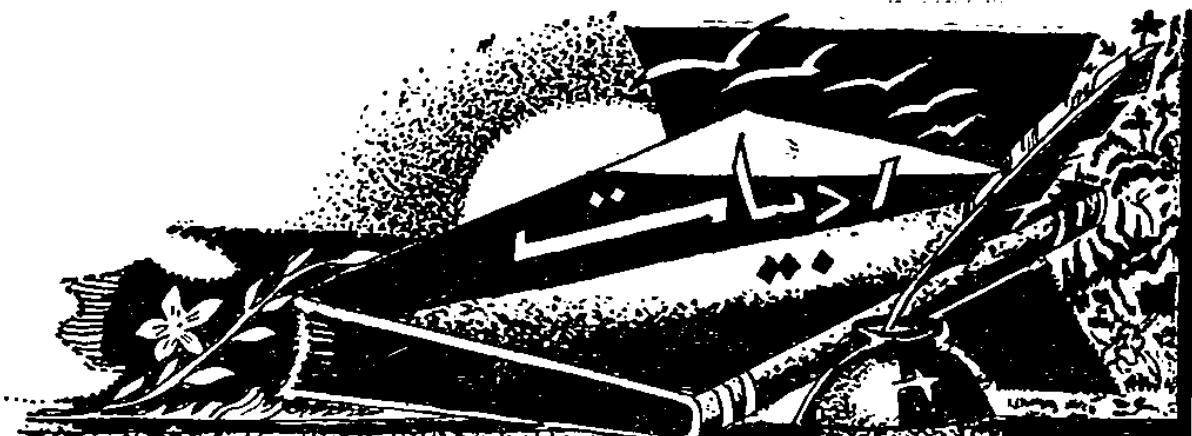
بنا بر فرضیه جداشدن زمین از خورشید ، ناگزیر آب نیز از بخار زمین پدیدگشت . آب دومین عامل حیات که خود زاییده آتش است انگیزه آفرینش نبات و حیوان گردیده و از حیوان - انسان سر زده است ، پس با این سلسله تطور همه چیز از آتش برخاسته است . هر اکلیت میگفت :

« هیچ انسان یا خدایی جهان را نیافریده ، ولی آتش فنانا پذیر و جاویدان همیشه بوده و خواهد بود . »

در باره آب که پدیدآور حیات است ، در قرآن نیز بارها یاد شده که حیات هرچیزی از آب است (و من الماء کل شیئی حی) با این منطق و آزمایش‌های علمی همه چیز دارای جانست ولی چیزی و کسی در خود پرستش نیست . از گندو آرامگاه بالازسنگ وزر و سیم یا چیزهای دیگر کاری ساخته نیست و نباید چشم دارد و انتظار برآمدن نیازی بداریم ، مگر از ذات بیرونی که در خود پرستش وستایش است و تنها او آفریننده جهان ، جان و خرد است .

نودهای اشراق یا هیئتوبیسم ، خواب و خیالی بیش نیستند . در کتاب « افسانه زندگی » دکتر باستان یک ریاضی دارد که پاسخ بسیار درستی به کوتاه بیان و ماده پرستانت که میگوید :

اشراق جهان جمله چو نقشی است برآب
وان آب چه آب ؟ بلکه موجی ز سراب
وان موج سراب هم خیالی در خواب
وان خواب چه خواب ؟ خواب هستان خراب .



از : خرم کازرونی

«رآز و فیاض»

شمعی و آن حکایت پروانه کرده‌ای
دل را اسیر و بنده و دیوانه کرده‌ای
عزم وصال و خلوت بیگانه کرده‌ای
یادم هبر که جلوه جانانه کرده‌ای
افسودگری واين دلم افسانه کرده‌ای
تسليم جام و باده هیخانه کرده‌ای
بگذر کنون که دعوی رندانه کرده‌ای

در خلوت دلم توعیان خانه کرده‌ای
در بستر وصال تمنای عاشقان
با آشنا بقهر و عتابی حالیا
این لوح خاطرم همه یاد تو می‌کند
ای ما در حمایت حسن جمال خویش
سیلاب خون این دل عاشق بجهر چرخ
بر گیر کام و از ره زندان کائنات

در اختیار این دل خرم نبوده‌ای
کز هجر گریه‌های غریبانه کرده‌ای



بیانیه همچلیس همار فره

گردن ایشان آویخته شد و سبد گلی را نیز جناب آقای سنا تور گبو رئیس محترم انجمن زرتشتیان هدیه نمود و آنگاه مراتب سپاسگزاری و اظهار مسرت همکانی دا براز و آنگاه بمعرفی ایشان پرداختند.

سپس جناب آقای تلیارخان با فصاحت و شیوه ای سخنانی با انگلیسی ایراد نمودند که بوسیله آقای خسرو باستانی پیارسی ترجمه میشد.

آقای اردشیر جهانیان نایب رئیس انجمن زرتشتیان نیز در پاسخ به بیانات جناب آقای هرمزد تلیارخان بنمایندگی از طرف حضار در مجلس مطالب تشکر آمیزی به است تحضار شان رسانیدند که متن هرسه سخنرانی جداگانه بچاپ رسیده است.

این مجلس پرشور و شکوه پس از پذیرائی در ساعت پنجم بعداز نیمروز با خاطره ای فراموش نشدنی پایان پذیرفت.

جناب آقای تلیارخان هنگام افتخار حضور و شرفیابی پیشگاه شاهنشاه آریا هر به الطاف خاص شاهانه مباهم گشته اند.

آگهی

نظر بیان رسیدن بیست و هشت مین گردش انجمن زرتشتیان تهران و به ثبت رسمی رسیدن اساسنامه اصلاحی جدید انجمن زرتشتیان تهران از عموم بانوان و آقایان افراد زرتشتی تهران که کمتر از ۲۰ سال ندارند خواهشمند است بادردست داشتن کارت شناسائی روز آدینه بیست و چهارم دیماه ۱۳۴۴ ساعت نه بامداد در مجمع همگانی که در تالار جشنگاه خسروی تشکیل میشود تشریف آورده در انجام وظیفه اجتماعی شرکت فرمایند.

دستور جلسه

۱- استماع گزارش کارهای گردش ۲۸ انجمن

۲- تعیین هیئت نظارت انتخابات گردش ۲۹ انجمن زرتشتیان تهران
خواهشمند است کارت شناسائی را همراه بیاورند.

انجمن زرتشتیان تهران

بقیه سخنرانی اردشیر جهانیان

و در حال حاضر در دانشگاه عده‌ای از همکیشان ما مقام استادی دارند برای نمونه آقای دکتر رئیس بهرامی که در اینجا حضور دارند نام میرم همچنین ما دکترهای مشهور و خوشنامی مانند دکتر فرین متخصص در امراض قلبی داریم که به نیکی شهرت دارند و آقایان دکتر ورجاوند و دکتر نامداران صاحب مؤسسات درمانی (بیمارستان) آبرومندی هستند و درجهان سیاست آقای دکتر فرهنگ مهر داریم که همه برای ما مایه افتخارند. اگر خواسته باشیم نام یک یک از آقایان پزشکان و دیگر دانشمندان را بزبان آورم حافظه‌ام یاری ندارد و اینجهت معدرت میخواهم همچنین مادرمقام اجتماعی شخصیتهای پرجسته و نیکنامی مانند آقایان سناتور گیو و دکتر یگانگی داریم که مورد احترام تمام طبقات اینکشورند خوبیختانه روز بروز عده سرافرازان جماعت افزوده میشود و امیدواریم که روزی ماه مانند شما موفق گردیم که در رشته‌های بزرگ دانش و صنعت و اقتصاد سهم اساسی در کشور خود داشته باشیم.

من بار دیگر از حضور جنابعالی در این هجدهمین که موجب شادمانی همکیشان خود شده‌اید از طرف خود وهمه حضار سپاسگزاری میننمایم.

رُقیَه زُرْشَت نَاهِد

گرسنه شد و خیره بر طرف دشت
ز پستانشان شیم را بر مکید
که حاره ندارد : بشد نا امید .

چو آنجا زمانی بر او بر گذشت
دو پرشیر بز گشت آنجا پدید
د گر ناره ده و سمه کار دهد

هزاران از اینگونه بی گفتگو
بنماچار صحبت فراز آوریدم
جوان بود و دادم در این جستجو
هم آنکس که هستی پیا کرد کیست؟
دنماله دارد



آگهی جهت اطلاع عموم زرتشتیان

از دیر باز همراه با پیشرفت تمدن بشری عمران و آبادانی زیارتگاه‌های اطراف یزد همواره مورد نظر همکیشان خیراندیش بوده است و بر همین اساس در سال ۱۳۴۴ موقع زیارت همگانی در محل پیرسبز اقدام به جمع آوری اعانتی جهت تأمین روشنائی و عمران آن محل مقدس گردید.

وجوه جمع آوری شده که بالغ بر هشت هزار و یکصد و هشتاد ریال بود طبق صورت جداگانه بکانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز تحويل شد که بالفاصله در بانک صادرات ایران شعبه قصر **بحسب شماره ۶۳۳** بنام آقایان دکتر ماهیار اردشیری-رستم خدا بخشی- بهرامولی مفتوح در تمام شعب متمرکز گردید ضمناً یکدستگاه موتور مولد برق مستعمل که از طرف خیراندیشی اهدا شده است از طریق انجمن زرتشتیان شریف آباد و توابع سرپرست زیارتگاه هزبور تحويل و جهت تعمیر و نصب در محل اقدام بعمل آمد.

با شرح فوق از عموم همکیشان خیراندیش تقاضا میشود هر یک باهمت عالی خود هربلغ که مایلند بحساب فوق الذکر واریز نموده و رسید بازکی آن را باز کر نام خیراندیش و آدرس صحیح پرداخت کننده وجه تهران - صندوق پستی شماره ۲۹۹۰ ارسال فرمایند تا نسبت به تقدیم رسید رسمی این کانون اقدام مقتضی به عمل آید.

نام کلیه خیراندیشان باهم بالغ اهدایی در ماههای آینده بتدریج جهت اطلاع عموم منتشر خواهد شد. توضیح اینکه در کلیه شب بازک صادرات ایران می-توانند **بحسب شماره ۶۳۳** تهران شعبه قصر وجه پرداخت فرمایند

کانون زرتشتیان شریف آباد یزد مقیم مرکز

نام ذیکوگیر بهمند زاده‌ی به کنز و مهندس سرای فرزندگار

شادروان موبد بهرام اسفندیار
آریانی با انجام دستورات آئینی
خود ۵۱ سال زندگانی گرامی خود
را در راه خدمت با جماعت و فرزندان
ونوهالان زرتشتی صرف نمود.
درخت علم و دانش را آبیاری
کرد و میوه شیرین آنرا بهره
نو نهالان زرتشتی نمود.
سه سال از درگذشت آن شادروان
میگذرد ولی نام نیک او زنده و
جاوید و همه گان بویژه تربیت شد گان
مکتب او بروانش درود میفرستند.
دوستداران آریائی



تسبیحیت

به ناسبت در گذشت بانو گلچهر دیانت فرزند مر حوم خدا یار شاه کلوس اعضا
هیئت مدیره سازمان و افراد باشگاه جوانان زرتشتی یزد با آقایان شهریار خدا یاری
معاون سازمان و باشگاه و آقای افلاطون خدا یاری عضو سابق باشگاه و هندرس
سیروس دیانت مدیر داخلی باشگاه فرزندان آن شادروان و آقای شاه بهرام دیانت
شوهر آنمرحومه تسلیت و همدردی خود را با کمال تأسف و تاثر ابراز میدارد و
تمدرستی و بقای نام برده گان و کلیه بازماندگان و آمرزش روان بانوی در گذشته
را از درگاه اهورامزدای بیهمتا آرزومندند.

سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد

شماره ۱۰۵

هوخت - دوره شانزدهم - سال ۱۳۴۴

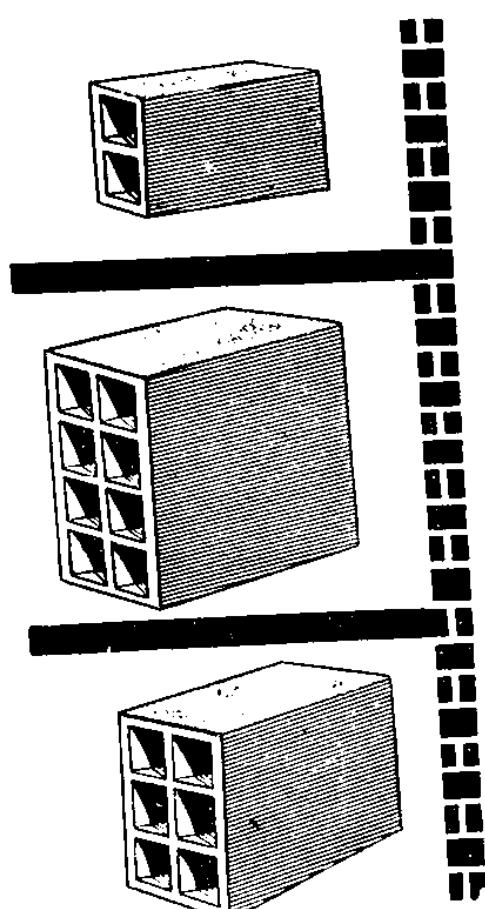
صفحه ۹۲

تجدید انتخابات هیئت مدیره سازمان جوانان زرتشتی اهواز
در تاریخ ۴/۷/۳۰ با تشکیل همکاری بانوان و آقایان نامبرده زیر انتخاب
شدند :

۱ - دکتر ساسانی رئیس ۲ - مهندس رستم سروش معاون ۳ - مهندس کیخسرو زمردی
حسا بدادر ۴ - رستم سلامی دبیر ۵ - دوشیزه نسرین دخت ساسانی بازرس ۶ - بانو پریوش
سروش عضو ۷ - هوشنگ فارسی نژاد عضو.

هوخت - موفقیت ایشان را در این خدمت اجتماعی از درگاه اهورامزدا خواستاریم

آجر محبوف ایتالران



مقادم و عایق سبک با صرفه
اُرسنتر از گذشتہ

در کلیه ساختمانی زیر از
آجر محبوف ایتالران
ستفاده میکنند

شرکت سهامی ایتالران میدان کاخ شماره ۸۵ آغازنامه ۴۲۳۵۵

((اتو سیر یزد))

آیا باید یزد و مکانهای مقدسه آن فراموش شود ؟
 آیا در موقع تکلم بزبان دری احساس برادری و یگانگی بیشتری نمیکنیم ؟
 اتوسیر یزد بمنظور خدمت بهمکیشان گرامی ایجاد شد و انتظار پشتیبانی و همکاری
 از همکیشان را دارد .

ایرانتور نو - بودرومهری تلفن ۲۳۷۱۳
 یزد : اتوسیر یزد - میدان شاه

شماره مسلسل ۱۸۹

سال ۱۶ شماره ۱۰

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
 SUPERVISED BY
 EDITORIAL BOARD

دارنده امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

ADDRESS:
 (The Hukht Monthly Magazin)
 C/o Dr. SARFEHNIA
 Phar. Dariush
 Av. Nadery
 Tehran,
 Iran .

نشانی :

خیابان شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

آbonman مجله ماهانه هوخت

SUBSCRIPTION FEES

Iran	Abroad
for 12 Months 200 Rls.	180 Rls.
< 6 >	100 >
90 >	

داخله	خارجه
بکاله ۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال
۶ ماهه ۹۰ ریال	۱۰۰ ریال

کاملترین پیپ

مس شناور امو آلمان

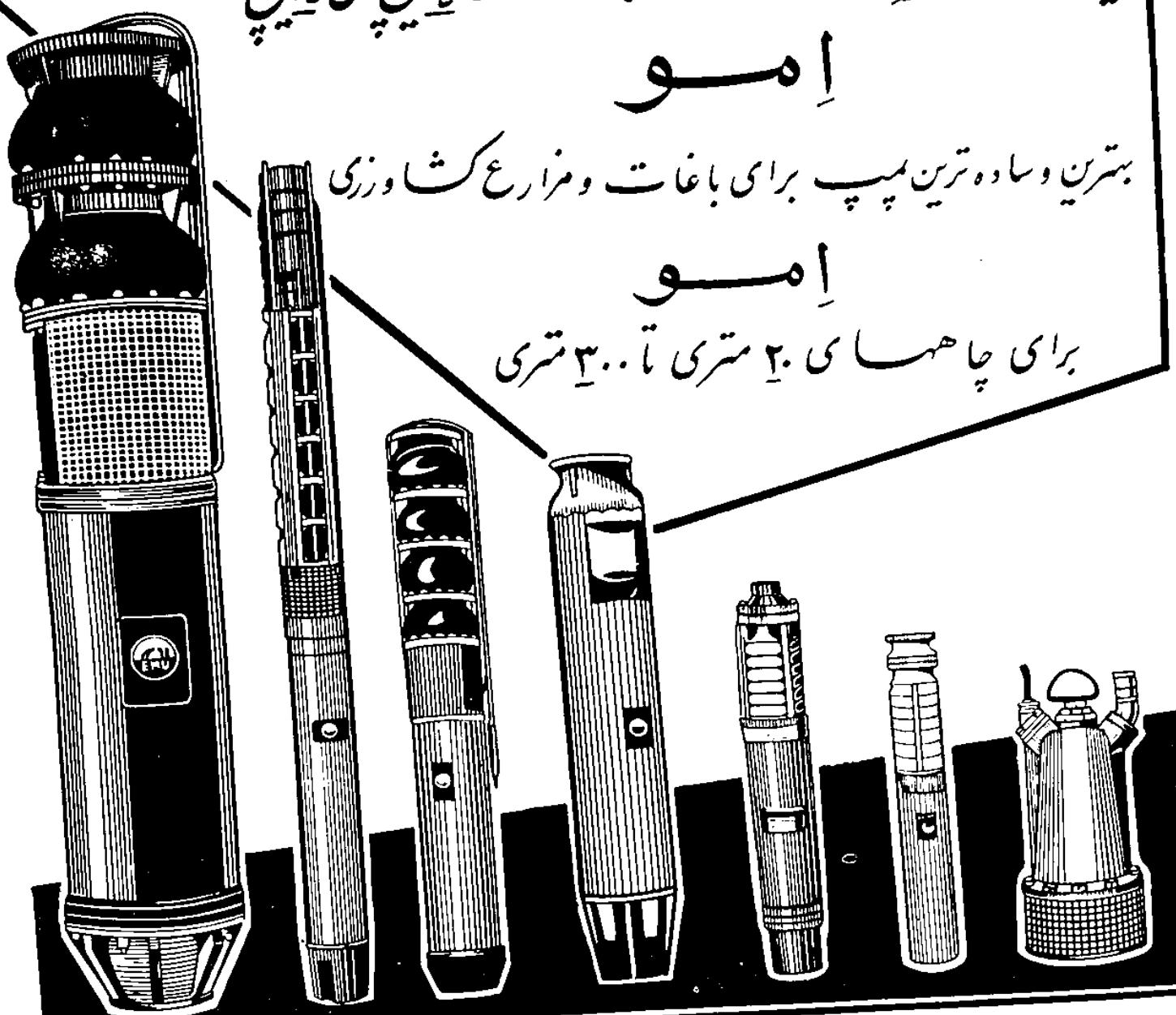
پیپ فاز سه فاز
با اندازه های ۱۰/۲۵/۴۰/۶۰ پیپ

امو

بهترین و ساده ترین پیپ برای باغات و مزارع کشاورزی

امو

برای چاهه ای ۰/۲۰ متری تا ۳۰ متری



ناینده اخصاری داریان: شرکت نوشتی - تهران - خیابان سعدی کوچه ممتاز ساختمان نوشی تلفن
۳۸۶۲۱ ۳۵۲۸۲